

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران:

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۶۴
دو شنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۸ - شماره ۲۰ دال

ویرانه‌ها سالگرد انقلاب

فرخنده باد

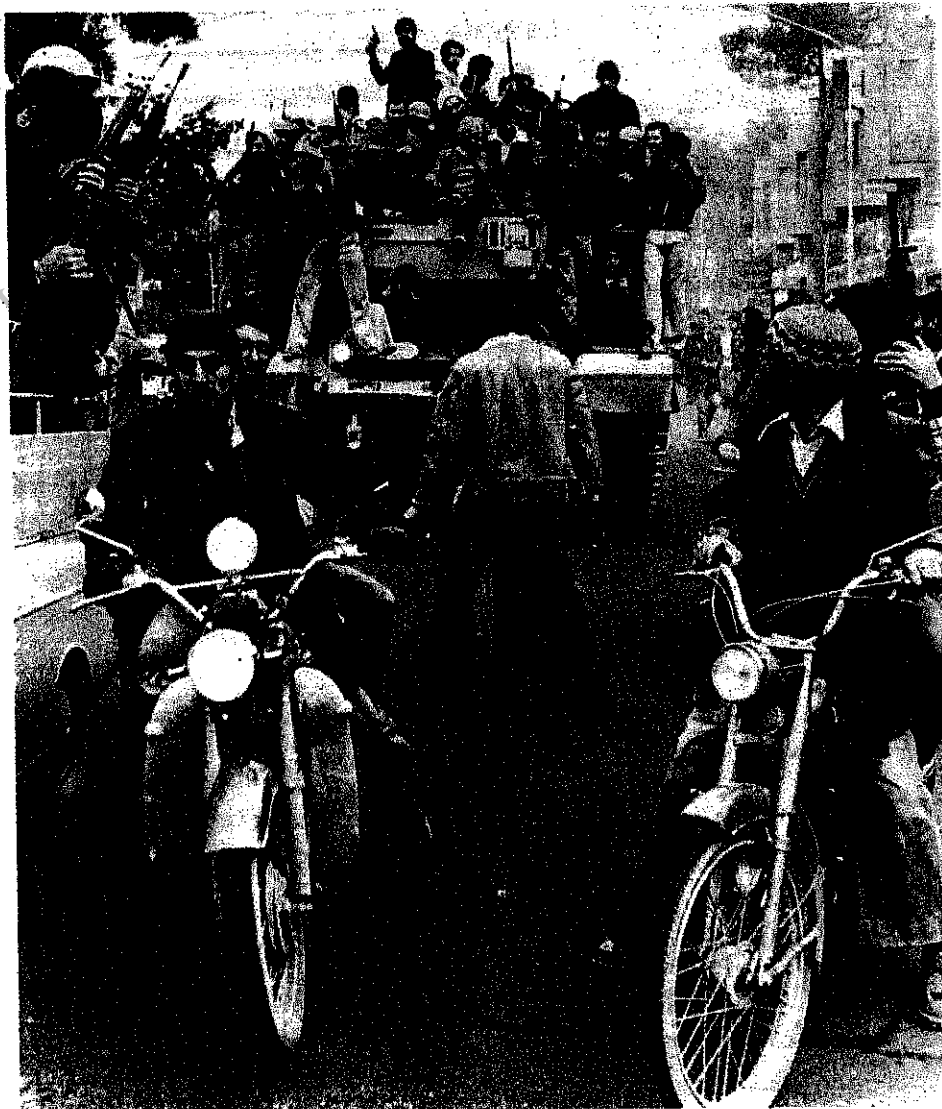
فخستین سالگرد انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی مردم ایران به رهبری امام خمینی

کام به کام با انقلاب ایران: از اولین خروش تا سنگرهای خون و پیروزی

و خلق پیروز است...



شادباش کمیته مرکزی
حزب توده ایران
به محضر حضرت
آیت الله العظمی
امام
خمینی
رهبر عالیقدر
انقلاب ایران
شماره ۲



کارنامه انقلاب
در ۱۶ صفحه

پارتیزان‌های توده‌ای
در سنگرهای انقلاب

۴ سال فعالیت نوید

■ من شاهد کشتار ۱۷ شهریور بودم

■ عملکردهای امپریالیسم آمریکا قبل و بعد از انقلاب

■ حزب توده ایران در اولین سال انقلاب

همراه با اشعاری از احسان طبری،
سیاوش کسرائی، ه.ا. بسایه، جلال
سرفراز و...

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جنبه متحد خاسته

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

فرخنده باد نخستین سالگرد انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی مردم ایران برهبری امام خمینی

مردمان ایران ما... حزب توده ایران خلی خود این گرایش و ویژگی جنبش انقلابی شده امپریالیستی و دموکراتیک و خلقی ایران را داغ و داغ از این ایجاد پیوند انقلابی بین نیروهای مذهبی و هواداران سوسیالیستی ملی را، بعنوان یکی از پایه‌های بنیادین شرایط برای وحدت نیروها و هم پیوستگی انقلابی آنان مطرح ساخت و از آن لحاظ بسا پیوستگی و بدون تفرق را برپا داشت و در پی وحدت، ایجاب و تقویت گرایش و وابستگی با امپریالیسم، شرقی‌ها و آزادی‌طلبان و سوسیالیست‌ها این سنگری را بنا نهادیم.

نماینده‌گان بورژوازی لیبرال چپ کرد و ملی و تفرقه‌ناپذیری خلق قرار داشت که هرگز بهتر و در وقت دشمنان واقعی خود را حیثیت و وابستگی مسلط همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم آمریکا و رژیم مستعبدانه و وابسته به آن، یعنی نظام فاشیستی سرمایه‌داری و وابسته به سرگردانی شاه و پهلوانان را خواستار بود. این جنبه عظیم خلق خلی خود تفرقه‌ناپذیر گشته خود را در تمام روزهای انقلاب ایجاب کرد و تفرقه‌ناپذیر گشته سازشکاران و تسلیم‌طلبان بورژوازی لیبرال را خلی کرد و جنبش انقلابی را با قدرت و شتابی بی‌سابقه به سوی پیروزی برد.

چنان دارای اهمیت استراتژیکی برای تمام دوران آینده بود خلق ماست - هرگونه تلاش برای معرفی مردم ایران تفرقه‌ناپذیر و از این مسئله حیاتی، حتی اگر آنگاه باشد، کفایت است به ضد انقلاب و امپریالیسم.
باین ترتیب انقلاب بزرگ مردم ایران، برپا شده و به شاهزاده‌های درونی و بیرونی جامعه و فتنه‌ناپذیر سرمایه‌داری و پسرهای چشمکی جرمه جیبی شده امپریالیستی چپانی، که پیوسته در دهانه اخیر شتاب‌بیاخته‌های پالت است، اوج گرفت و پیروز شد.

مردمان ایران سالگرد انقلاب کبیر خود را جشن میگیرید، انقلابیکه ملیان خلقی مردم ایران دلاورانه قتلعلی کرد و با دلاوری تزلزل‌ناپذیر و بی‌ترس کوشید، یکس از کوشش‌های رستگرنشین تسلطی خودخواه سلطنتی مزدور امپریالیسم را سرنگون ساخت و با این پیروزی یکی از نیرومندی‌ترین پایگاههای قدرت و جنایت امپریالیسم، نمایران او را برکنار کرد، در جهان دوم شکست رده خوبی را بسوی ایجاد نظامی مستقل و دموکراتیک، سوسیالیست‌ها و مردمیان باز کرد.
انقلاب ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ یکی از بزرگترین رویدادهای ماست جهان است.

تقدیر و جستجو تاریخی امام خمینی - وحدت شمار و وحدت عمل

جنبش انقلابی مردم ایران که بطور گسترده در چهارچوب پیوستگی انقلابی و اجتماعی اسلام شکل میگرفت رنج واقعی انقلابی خود را جستجو میکرد، جنبش انقلابی ایران خلی خود و خلی مردم این انتخاب خود را مدعی خاصیت امام خمینی را برهبری خود برگزید، یعنی همان شخصیت استثنائی روحانی را، که برپایه خصوصیات بزرگ انسانی خویش، صیغه از روح مردمان جامعه روحی میرد و در زندگی مدنی چنان کرمک به این مردمیان، که همان شخصیت زحمکش استبداد شده و قدرت شده جامعه ما هستند، برای خود انتخاب نمیکرد و بود و از دجا سال پیش با پیوستگی و تقویت وحدتیت مردمین در وجه‌های وحدتیت این مردمیان و همه مردمیان (مستقلان) جهان را در یکسایه امپریالیستی چپانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در یکسایه و سادانیا و تالارشان در منطقه و در یکسایه طاغوتی سلطنت و پیوسته محمد رضا و خاندان فتنی و دستاران ساواکشان و طبقات فاشیستی جامعه (مستکبران) شناخته بود.

گرایش مذهبی در جنبش انقلابی ایران

در اینکه جنبش انقلابی خلق، با آن محوریت پیوستگی شده امپریالیستی، ضد امپریالیستی و ضد رژیم حاکم سلطنتی سرمایه‌داری وابسته و زمینداران بزرگ بطور حاکم و تعیین کننده رنگ مذهبی بخود گرفت، یک رفته و عیناً تاریخی و اجتماعی زمین‌خورد که شرایط مشخصی مبارزه در سالهای اشتقاق ساواک رژیم محمد رضا پهلوی یعنی این پدیده را بوجود آورده بود، ملی دجا سال‌هاست رژیم مغرب‌زور و اختلاف، یعنی ضد نیروهای راستین انقلابی وابسته به طبقات کارگرسرگشته و مده‌میسازی شده عمدی‌های در زندانها بسر میبردند. علاوه بر این، برآش

جنبش انقلابی تمامی خلق ایران

برپایه تضادهای درونی و بیرونی جامعه، که غم‌خیزین آنها فساد میان همه خلق با امپریالیسم در خارج و رژیم مستعبدانه سلطنتی که سرمایه‌داریان بزرگ وابسته زمینداران بزرگ پایگاههای اصلی آنرا تشکیل میدادند، در درون کشور بود - وجهی به‌طورانی از طبقه کارگر، دهقانان، پیشه‌وران و فشرده‌های بی‌تابی جامعه در شب و روستا و سرمایه‌داریان ملی بوجود آمد. این جنبه، همانطور که تمام روزه انقلاب و تظاهرات دجا میبوی نشان داد، همه خلق را یکپارچه فراگرفت و مانند سبکی تیرونده تمام پایگاه‌های کوشای فراروای زورپا در هر کویچه همه مردم، یعنی زنان و مردان ایران و جوانان و حتی خروسالان، وابستگان همه گرایشهای سیاسی، نظامی و انقلابی، یعنی روحانیون، مبلغان، روحانیان و روشنفکران انقلابی چپ، نیروهای مذهبی که زیر پرچم اسلام میدان آمدند بودند، در کنار مبارزان که زیر پرچم سوسیالیسم علمی مبارزه میکردند - همه و همه با هم در این جنبش عظیم خلق شرکت جستند.

سرتنگونی رژیم شاه، شرط مقدم پیشرفت جامعه

رژیم شاه جلاد، ساواکها و سرمایه‌داریان وابسته و مالکان بزرگ، که با حمایت همه‌جانبه امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم ایران سلطنت شده بود، وجهی داشت ایران را پگروستان آزادی، به پشت فاشیستی سرسای امپراتوریت فتنی و سایر امپراتوریت امپریالیستی چندسایه، به‌توانمردم یکی از حساسترین مناطق جهان از نظر فضای وقت و اهمیت سوق‌الجیسی، به پایگاه جزایری علیه اقتصاد شوروی در حلقه بی‌تابیهای نظامی امپریالیستی، و چل سازد. در دوغ قرن اخیر همه سازمانها و احزاب سیاسی ملی و مترقی پیشه‌مندی‌ترین رهبری سرنگون شدند. صفت ملی و خلی خود و دجا جوار ملی زندهای شدند. کارگران، سواکها، ایران را با همه جنبه‌های و خیرگی‌های پندل کرده بود، در گذشته یعنی از بیست میلهارد پیشگامت خلق تمام - به قیمت امروزی یعنی از نهمصد میلهارد دلار - از ایران غارت شد و ملی مردم این حق را یک موسسه بزرگ صنعتی خودکار و غیروابسته با امپریالیسم و با تمام امکانات شده، حتی تعداد وسایط موتاز وابسته در مقایسه با امکانات بسیار خیر و غلط وسیله‌های برای تبدیل اقتصاد ایران به‌تواند امپراتوری امپریالیستی بود، در زمین‌های زودا را از این برنده و دجا برپایه همه‌جانبه گردید. دجا میلهارد دلار جنگ‌آزاد خریدند که تنها امپراتوریت امپریالیستی آمریکا و اروپایی و رولان خودفریض از آن سود برنده، در مقابل، اکثریت مطلق مردم این حق را شرایط طاقت‌فرسا زندگی میکردند و زحمتکشان شهر و ده از ابتدائی‌ترین وسایلی زندگی و بهداشت و آموزش محروم بودند.

کاملاً طبیعی بود که امام خمینی با آن شناخت دقیق از ریشه و پیشینه با آن طبیعت و پیوستگی و تقویت تاریخی و از آن شرایط کوشید، یک انسان مبارز، روحی واحد جنبش انقلابی ایران گردید.

- ۱ - مستگبری قلع و پیوستگی و تقویت تاریخی برای روش‌نگر کردن همه اشکال سیاسی، اقتصادی، نظامی و فقهی‌های تسلط امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا
- ۲ - مستگبری قلع و پیوستگی و تقویت تاریخی برای برانداختن رژیم پوسیده و فاسد سلطنتی و نظام طاغوتی استبدادی
- ۳ - مستگبری قلع برای تعیین کلیه آزادی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و در درجه اول برای زحمتکشان (مستقلین)
- ۴ - مستگبری قلع برای عملی‌مانند تغییرات بنیادی در تمام اشکال جامعه برای کرده کردن تمام فزادگر سرمایه‌داریان و مالکان بزرگ و در جهت پیوسته همه‌جانبه شرایط زندگی جامعه امپریالیستی زحمتکشان و درجه‌بران شهر و روستا
- ۵ - مستگبری قلع و پیوستگی و تقویت تاریخی در جهت گردآوردن و اتحاد همه نیروهای راستین خلق برای رسیدن بایستندگی‌های والای ملی و خلقی.

به محضر محترم حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی رهبر عالیقدر انقلاب ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران در نخستین سالگرد انقلاب بزرگ که در کشور ما در ایران آغاز قرن بیستم هجرت بود بزرگ با پیشرفت‌های آن حرکت که پس از تمام گرایش‌های این انقلاب شناخته شد، از تمام قلب دلداری میگوید.
این انقلاب عظیم و تاریخ‌ساز نظام فراتر از سلطنت مستبدانه راه که ملی هزاران سال در این سرزمین متشده آهمه پیداهای فاسدگرا بود، برپا داشت و برپا داشتند یار، نظام مردمی جمهوری را در زمین ما برپا ساخت. این انقلاب نه تنها انقلابی ملی‌مستبدانه خودسلطنتی بود بلکه آن‌ها را برای رادیکال‌ترین اهداف امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم جهان‌مستور اما نظر را برافراشت و تاج‌پیزی و تاوانی این قدرت سلطنتی را با جبهه‌ایان آشکار کرد.
این انقلاب نه تنها به چنین لیام حساسه آمیزی دست زد، بلکه دهالی مستقیمین ایران و جهان را از اسارت و ستم مستکبرین نخله خود فرسود و بینشان از انقلاب مهم سیاسی، به‌یاد انقلاب بزرگ اجتماعی نیز بدل شد.
همه این برکات و نعمات انقلابی میبویان قاطعیت

در آستانه انقلاب

کمیته مرکزی حزب توده ایران با آن شناخت دقیق از ریشه و پیشینه با آن طبیعت و پیوستگی و تقویت تاریخی و از آن شرایط کوشید، یک انسان مبارز، روحی واحد جنبش انقلابی ایران گردید.
۱ - مستگبری قلع و پیوستگی و تقویت تاریخی برای روش‌نگر کردن همه اشکال سیاسی، اقتصادی، نظامی و فقهی‌های تسلط امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا
۲ - مستگبری قلع و پیوستگی و تقویت تاریخی برای برانداختن رژیم پوسیده و فاسد سلطنتی و نظام طاغوتی استبدادی
۳ - مستگبری قلع برای تعیین کلیه آزادی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و در درجه اول برای زحمتکشان (مستقلین)
۴ - مستگبری قلع برای عملی‌مانند تغییرات بنیادی در تمام اشکال جامعه برای کرده کردن تمام فزادگر سرمایه‌داریان و مالکان بزرگ و در جهت پیوسته همه‌جانبه شرایط زندگی جامعه امپریالیستی زحمتکشان و درجه‌بران شهر و روستا
۵ - مستگبری قلع و پیوستگی و تقویت تاریخی در جهت گردآوردن و اتحاد همه نیروهای راستین خلق برای رسیدن بایستندگی‌های والای ملی و خلقی.

کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کبائوری

خیالت زهری بر نفس قابل توجهی به گرایشهای خود-جریانه سرمایه‌داری و پیوسته خودت کور با جنبش امپریالیستی کارگری جهانگرا و گمراه شده بود، و شناخت یکس کارگری تمام بایستی که، ضد تفکیرانه گشته و از کارگری ملی برای برقراری پیوسته با جنبش انقلابی محروم شده بود.
بورژوازی لیبرال که بنا به پایه‌های سازشکارانه طبقاتی خود خلی زورپانان را که لیاقت زهری جنبش انقلابی را که هرگز بطور چشمگیر گسترش می‌یافته ندارد، زهری سرگشته مبارزه سیاسی را با شقاوت سرکوب میکرد. رژیم سادج برای اجتناع مردم فارسی پل بود و آنچه آن ملت که رژیم وابسته و اربابان امپریالیستی جنبشهای راستین خود را در دهانه انقلابی علیه و در پیوند با اربابان امپریالیستی‌های به این وابستگی تفرقه‌ناپذیر گشته که جنبش خلقی و ملی را در تمام مستعبدان و فتنه‌ناپذیر گشته‌های بر سرگشته زداید، مانند سبکی عظیم راه خود را می‌کند و بطور طبیعی از بستری سرزیر مستعبدان مانع گشته بر سر راهین باشد.
یعنی عظیم روحانیت ایران از زبان خلق بیرون آمده و با خلق پیوسته داشت، قاب‌طور طبیعی، دورزبان چنین‌هرانی بازتاب یافته، خواستهای انقلابی خلق گردید. بورژوازی سادج و فتنه‌ناپذیر گشته‌های اربابان، که همه‌جانبه فساد،

تجزیه و تحلیل شرایط انقلاب ایران

انگیزه‌ها و آمیخته‌ها و شاهزاده‌ها و افراد و طبقات و گروههای سیاسی فعال - که در این جنبش فراگیر یالقی بسیار وسیع شرکت داشتند، یکی بود و مسل و بی‌ترس آنها به خواستهای طبقاتی و مابعد آنها وابسته بود، ولی همه آنها بی‌شک این جنبش زنده به ضرورت سرنگونی رژیم استبداد سلطنتی شاه وابسته با سرکردگی امپریالیسم و بورژوازی خود را می‌خواستند. این جنبش را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول، جنبش مردمی برای برانداختن رژیم پوسیده و فاسد سلطنتی و نظام طاغوتی استبدادی و بخش دوم، جنبش برای برانداختن رژیم پوسیده و فاسد سلطنتی و نظام طاغوتی استبدادی و بخش دوم، جنبش برای برانداختن رژیم پوسیده و فاسد سلطنتی و نظام طاغوتی استبدادی.

کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کبائوری

مطلبی از همان آغاز جنبش گرایشهای گوناگون در مستگبری اساسی انقلاب پدید آمد و مبارزه بین این گرایشها به‌طور مبارزه‌های پایانی در درون جنبش وحشی در درون هر گروه و سازمان سیاسی بروز کرد. رادیکالترین جناح در طبقه مبارزان، جناح بورژوازی لیبرال بود که هدفهای خود را در چهارچوب سازش‌های ملی و خلی خود را با امپریالیسم بورژوازی سلطنتی بدون محمده رضا و کار آمدن امپریالیسم آمریکا، در چهارچوب شاه باید سلطنت کند به حکومت مسموم کرده بود.
دوره مبارزه با امپریالیسم و دوره مبارزه با پایگاه طبقاتی رژیم، یعنی بزرگ سرمایه داری وابسته و بزرگ زمین‌داری هم این جناح بورژوازی لیبرال میبویان فساد علمی و قلع نفیست، فساد سیاسی بورژوازی لیبرال ایران مملو، نه تنها از همه که سازده علیه استبداد شاه دادند

شرایط جهانی انقلاب ایران

انقلاب ایران، مانند هر انقلاب واقعی خلقی دوران ما، حلقه‌ای است از زنجیر عظیم تاریخی انقلابی جهانی. یعنی از منظر مبارزان امپریالیسم جهانی، کشور ما چندی است از جنبه عظیم خود برده‌های خلقی محروم و زیر ستم علیه سلطه غارتگرانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، جبهه‌ای که سه‌پنجه اصلی آنرا جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش امپریالیسم کارگری در کشورهای رستگرنشین سرمایه‌داری و جنبشهای دلاوری‌های خود امپریالیستی در کشورهای در حال رشد تشکیل میدهند - پیوسته و با شکست در این یا آن آمپریالیسم برده این جنبه عظیم جهانی، در زمین حال که در درجه اول رابطه مستقیم با وضع نیروهای خودی و دشمن در این میدان برود دارد، تحت تأثیر عظیم و بسیار با اهمیت تناسب نیروها در جهان و قدرت نیروهای دوست در تمام جبهه‌های قریب دارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کبائوری

مطلبی از همان آغاز جنبش گرایشهای گوناگون در مستگبری اساسی انقلاب پدید آمد و مبارزه بین این گرایشها به‌طور مبارزه‌های پایانی در درون جنبش وحشی در درون هر گروه و سازمان سیاسی بروز کرد. رادیکالترین جناح در طبقه مبارزان، جناح بورژوازی لیبرال بود که هدفهای خود را در چهارچوب سازش‌های ملی و خلی خود را با امپریالیسم بورژوازی سلطنتی بدون محمده رضا و کار آمدن امپریالیسم آمریکا، در چهارچوب شاه باید سلطنت کند به حکومت مسموم کرده بود.
دوره مبارزه با امپریالیسم و دوره مبارزه با پایگاه طبقاتی رژیم، یعنی بزرگ سرمایه داری وابسته و بزرگ زمین‌داری هم این جناح بورژوازی لیبرال میبویان فساد علمی و قلع نفیست، فساد سیاسی بورژوازی لیبرال ایران مملو، نه تنها از همه که سازده علیه استبداد شاه دادند



حزب توده ایران در نخستین سالروز انقلاب

- حزب توده ایران مدافع راستین خط ضد امپریالیستی و خلقی امام است
- سازمانهای حزب سرعت در حال احیا شدن هستند
- اعتبار و حیثیت حزب در میان توده‌های خلق افزایش می‌یابد
- اقبال زحمتکشان بسوی حزب توده ایران سرعت یافته است

علیه دشمن اصلی خلقهای ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا، به موفقیت‌های دست یابد. حزب توده ایران با پشتیبانی بی‌دریغ و بی‌گین از قاطبیت ضد امپریالیستی امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، و مبارزه با مصلحت‌طلب و افسانه‌پردازان پانگانی-های سازشکارانه نیروهای لیبرال و عوامل امپریالیسم در جهت حفظ منافع مبارزکارانه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در ایران، از یکطرف در منتهی ساختن این بورژوازی و از طرف دیگر در سوق دادن بخشی از نیروهای راستین خلقی و ضد امپریالیست، ولی اعتیادکار و چپ‌رو، پسر کرد خلق امام گامی سیمی برداشته است.

در پی تلاشهای حزب توده ایران و دیگر نیرو-های مترقی و ضد امپریالیست، ضد بندهای نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در سراسر کشور، بویژه در کردستان و آذربایجان، آشکارتر و تلاش شدت انقلاب برای قریب توده‌های مردم و کسانشان آنها بدنیال خود، هر روز با شکست تازه‌ای روبرو شده و می‌شود.

حزب توده ایران با شرکت فعال و مسئولانه خویش در فراتر بردن جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان، رفتار مردم قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری، در عین حمایت کامل از خط امام و کوشش برای تحکیم پایه‌های حکومت جمهوری اسلامی، در جهت تعمیق مجزرای ضد امپریالیستی و

راستین انقلابی خلق و در درجه اول با نیروهای که تحت رهبری ابتکالیه خمینی قرار دارند، تعیین کرد تا «نهال جوان پیروزی پلست آمده راه» که با خون دهها هزار مبارز آبیاری شده است، تکمیل کنیم و این نهال را هر روز ریشه‌دارتر و بارآورتر سازیم»

پلنوم شانزدهم با تحلیل وضع نیروهای گوناگون، سامیت بورژوازی لیبرال را که «می‌کوشند جنبش را در چهارچوب منافع طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه‌های خلقی و مردمی آنرا تضعیف نمایند» افشا کرد و وظایف حزب را در زمینه مبارزه محتملی که بین دو خط مشی موجود در جنبش، یعنی خط مشی سازشکارانه بورژوازی لیبرال و خط مشی ضد امپریالیستی و خلقی توده‌های مردم و رهبری انقلاب شدت خواهد گرفت، روشن ساخت و برای تعیین پیروزی نیروهای ضد امپریالیست و خلقی بر ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق تاکید کرد.

در طول یکسال پس از انقلاب، حزب توده ایران با تمام قوا در جهت انجام رهنمودهای پلنوم گام برداشته است. حزب توده ایران همواره متاد اعتماد کلیه نیروهای ضد امپریالیست و خلقی، ملیزم، تفاوت‌های مسلکی آنها، بوده و با پیگیری، بشیاری و احساس مسئولیت کامل توانسته است بر بسیاری از سوءتفاهمات موجود میان نیروهای انقلابی مسلمان و مارکسیست فائز کند و در جهت احیای

پلافاصله سراز انقلاب، پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل شد و با تحلیل انقلاب ایران، وظایف حزب را در دوران پس از انقلاب روشن ساخت.

حزب توده ایران، وظایف بسیار دشواری پیش رو داشته. این حزب تنها سازمان سیاسی ایران بود که در طول ۳۷ سال شدیدترین ضربات را از جانب رژیم مصلحت‌محمل شده، مزارها فقر از آشپاشی شیب، یا دروازه زندان و تبعیدگاهها شده بودند. سازمانهای حزب طیف کارگر ایران، فویر پیگرد سازمان آمریمنی ساواک، ضربات مسلکی را متحمل شده بودند. ضرورت احیای سازمانهای حزب پس از پیروزی انقلاب ایران، منظور سازمان دادن مبارزه و سپس تثبیت و تکمیل و گسترش دستاوردهای انقلاب، از وظایف اساسی حزب، بشمار میرفت.

پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران، وظایف بزرگی را در زمینه سیاسی، سازمانی، گسار توده‌های، تعلیماتی، ترویجی و تبلیغاتی پیش روی حزب قرار داد.

اکتوبر که کارنامه فعالیت‌های یکساله حزب توده ایران را بررسی میکنیم، باید اذعان کنیم که عملیاتی دستاوردهای عظیمی که پیش روی حزب و جنبش انقلابی ایران قرار داشت و دارد، خوب توده ایران توانسته است که با تحریکات همجانبه نیروهای ضد انقلابی، لیبرالها و سازشکاران برای سمانت و کار شکنی در راه فعالیت‌های خلقی حزب توده ایران مقابله کند و تا حدود زیادی آنها را عقیم نگذارد، در تکمیل، تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب نقش سیمی ایفا کند. در جهت نزدیک ساختن نیروهای خلق و اقشای توده‌های ضد انقلابی سراسر امپریالیسم، جای خالی‌های را اسراز کند.

وظایف سیاسی حزب

آرزوی فراز (به انقلاب بهمن)

در چارنمل بیم‌فزای یورش‌گران
پشکست استخوان تو
درینک پندگی
پژمرده‌گشت جان تو
ای مادر! ای وطن!
داغ سرکش ماست میان پررخان تو

ای روح پرشکسته به خاکستر ملال
از آسمان روشن فریاد کنر نما
پس نیست موج خون؟
پس نیست سیل اشک؟
ای مزرع امید، لب خشک تر نما!

دائم تراست در گرانمایه درصاف
و آغاز زایشی است.
ایغ فرصت مزیز میاداکت تلف!

ما را میال صبر نماند و شکیب درد
این کاروان که تشنه گرمای زندگی است
یا زهره ره چگونه برده، و آن فروغ سره؟

پننگ! شگرف رژیم بزگی است در جهان
خون می‌دود به خاک
پس درجهای که پیره زدننگان پاک

با انقلاب خویش
گرد حماسه‌گون شده‌ای، و اندرین ستیز
پاهشتدای به پیش

اکتوبر که افتاب وجودت نموده رخ
از زوهدهای جوقه کتارها مرم
در رمز اتحاد علم‌های سبز و سرخ
پشکن طلسم شوم پیرستانده درجه

پشکن طلسم را
که طلسمی شکستنی است،
ترویج نیست!
بلند اسارت گسستی است.

ای بابی زونگار نجات نموده رخ
امجان انقلاب کلید است، بازگو!
افکنندای ز پشت گرانبار سلطنت
آرباب و خان پرمز پهلانداختی، دگر
ای میهن خسته من
زی فراز تو!

احسان طبری

حزب توده ایران در نخستین سالروز انقلاب



یکی از آخرین گروه‌های حزب توده ایران: اعتبار و حیثیت حزب توده ایران در میان توده‌ها افزایش می‌یابد

بقیه از صفحه قبل

و حفظ اتحاد ضراب‌های لیستی خلفای ایران، با تمام قوای خویش تلاش ورزید.
حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی کشور بود که در قبال امریک از مسائل سیاسی پیش روی چشم‌پوشی، به موقع اظهار نظر درست کرد و در مورد هر مسأله بی‌طرفانه و مستورانه‌ترین پاسخ ممکن را ارائه داد. یکسال پس از انقلاب گواه صادق صحت مشی سیاسی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران بوده است.

حزب توده ایران در زمینه‌های حمایت ضد-انقلاب، اشکال و اسلوب‌های مورد استفاده آن، آماج-های اصلی آن و پوهشهایی که تیات واقعی خود را در زیر آتپا پنهان می‌سازد، خدمات مولی انجام داد و به رسم خود در مبارزه با تحریکات، توطئه‌ها و تفرقه‌پویایی ضدانقلاب موفق بود.

وظایف سازمانی

پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران مستقر در وطنه حزب را در این زمینه، با انتقال رهبری حزب به ایران و احیای سازمان‌های حزبی در سراسر کشور، در شرف و روستا، و آغاز فعالیت وسیع حلقی حزبه معین کرد. پلنوم بر ضرورت مستقری ترکیب طبقاتی حزب بسوی زحمتکشان تاکید کرد.

در طول یکسال پس از انقلاب، علیرغم تغییراتی که ضدانقلاب و بورژوازی لیبرال در موردهالیت آزادانه حزب توده ایران بعمل آوردند، حزب تا حدود زیادی به رهنمودهای پلنوم جامه عمل پوشانید. سازمان‌های حزب بسط و توسعه در سراسر کشور گسترش یافتند و فعالیت‌های روشنگرانه و مشکل‌کننده، غرض را خدمت بخشیدند. هم‌اکنون حزب توده ایران در اکثریت قاطع ایالات کشور سازمان‌های ایالتی خود را تشکیل داده‌است و در بسیاری از شهرستانها سازمان‌های رله‌ای دارد. بر اساس فعالیت‌های وسیع و پویا، حزب توده ایران در جهت تثبیت، مستحکم و گسترش دستاوردهای انقلاب و تامین اتحاد کلیه نیروهای خلق ملیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و معاد داخلی آن، و برای اشکار شدن فرآیندهای صحت مشی سیاسی حزب توده ایران، اکنون با ایالات وسیع زحمتکشان، بی‌وفه و سردرگم‌نمایی به حزب بورژوازی و تحریک ملیتیستی حزب تود ایران بگفته‌های مؤرور، ولی رو به رفته و به سمت افزایش ترکیب پرولتری حزب تغییر می‌یابند. حزب توده ایران در زمینه سازمانی گام‌های بزرگی در جهت فراهم آوردن شرایط لازم برای دعوت کنگره یا کنفرانس سراسری حزب برداشته‌است.

کار توده‌های

به موازات کار سازمانی برای احیای سازمان-های حزبه، کار توده‌های نیز طبق رهنمودهای پلنوم مورد توجه مهم‌ترین قرار گرفت. جنبش انقلابی ایران در مسیر پیروزی از مردم شرف و روستا را به میدان حالی‌ترین تشریحات سیاسی کشانده و در مدت کوتاهی، در زمینه آگاهی‌یابی و اجتماعی، فرستگیا به‌طور آزرده بود. حزب مؤتلفه بود از این امکان مساهم بی‌شمار، برای مشکل ساختن توده‌ها در سازمان‌های توده‌ای و دگرگونی، که ضامن اساسی در برابری و پایداری نظام دگرگونی‌جامه است، پیرو برداری کند.

طبقه کارگر کشور ایران، که در پیشاپیش جنبش انقلابی پیچ انقلاب را بر دوش کشیده و پیشاپیش برده همه امکانات را داشت که در مقابل-های مستقی و دگرگونی مستقل خود متشکل شود، وظیفه حزب آن بود و هست که طبقه کارگر را در عملی ساختن این خواست بسط دهد. هم‌زمان به پشتیبانی کند و در کار سازمانی مستقری، به او یاری رساند.

یابد گفت که در طول این یکسال، اعضاء و هواداران حزب بی‌وفه در میان طبقه کارگر و سایر اقشار مردم، روستائیان، زنان، جوانان و دانش-جویان، با تمام قوای خویش به‌پویا سازمان‌های مستقل آنان یاری رسانده. عوامل ضدانقلاب، تفرقه‌انگیز، سرمایه‌داران و مالکان بزرگ، تیره-های راستگرای انحصارطلب بسیار کوشیده و می-کوشند تا از این رویه جلوگیری، ولی تجربه خود زحمتی و صحت مشی سیاسی حزب توده ایران و تلاش دیگر نیروهای انقلابی و دگرگونی، به‌شرف پیش تحریکات و تمسکات آنان، ایالتی و طبقاتی و اقشار مردم را بسوی شکل و اتحاد سوق میدهد. فشار طبقه کارگر متحد همه چیز طبقه کارگر متفرق می‌پوشاند. با خود را در میان زحمتکشان هر روز بیشتر می‌گشاید.

حزب توده ایران به کار در میان روستائیان نیز به‌طور لازم و ناهه است. اعضاء و هواداران حزب توده ایران در تهیه روستائیان به ایجاب شوراهای مدافع مناطق آنان در مقابل تحریکات تفرقه‌انگیز و تفرقه‌انگیز، روستائیان مبارز و آگاه، به‌طور چون مدافع واقعی مناطق خود

وظایف تعلیماتی، ترویجی و تبلیغاتی (سیاسی و تئوریک)

مردم و دنیای و انتشارات دیگر حزب، در مدت یکسال که از انقلاب می‌گذرد، نقش بسزایی در ترویج اندیشه‌های والای مارکسیسم-لنینیسم و انطباق حلق اصول این علم در راستای برقراری رژیم و سیار پیوسته جامعه ما ایفا کرده، تشریحات حزبه با درک صحیح و علمی و زوکی-های انقلاب بزرگ، مردم ایران، در شناساندن دوست و دشمن، متصد و خصم به طبقه کارگر، زحمتکشان شرف و ده و روشنگران انقلابی ایران، به‌ویژه تشریحات های چشمگیری دست یافته‌اند.

حزب توده ایران بر اساس جهان‌بینی علمی و انقلابی خود، به‌مردم آموزش و می‌آموزد که در دوازده مشایب‌های طاری، مبارزه طبقاتی را دریابند، از دام فریب لیبرالیسم، که خود را در لباس نوازی دگرگونی‌های و دگرگونی‌گری، پنهان می‌سازد، بی‌برنامه، باسلاح انقلابی و باسلاح ارتجاعی را تشکیک کند و از اولی با تمام قوا در مقابل دوسوی معادله نماینده، تمامی پیش‌بینی‌های حزب توده ایران، که مدتها قبل با تحلیل علمی و طبقاتی و نه با برخورد ذهنی از احزاب، تشریحات و اشخاص گوناگون مطرح شده بود، یکی پس از دیگری صحت خود را در لاله حیران جاسوس امپریالیسم آمریکا می‌یابند.

حزب توده ایران در تبلیغ و ترویج دوسوی اساسی خط امام خمینی، یعنی وجه خداندن امپریالیسم، ضدانقلابی (مدافع امپریالیسم)، مدافع حقوق دگرگونی (دگرگونی) (دگرگونی، پنهان، تحصیل و...)، خلقی (تایید رژیم زحمتکشان) و بالآخر، وحدت‌طلبانه (یعنی مدافع اتحاد ضراب‌های لیستی و خلقی تیره-های مردم) با تمام قوای خود کوشید و تلاش انقلابی و ملی پیوسته، و مدافع و پیروسی از روشنگران و روشنگران دیگر، که در درک نقش امام خمینی و اسلام انقلابی در انقلاب ایران جهان اشتباهات جبهه بورژوازی و بسا اولیات ناپاخته به لیبرالها یاری رسانده، به اندیشه واداشت. در نتیجه این تلاش‌های پیوسته، که واقعیت زحمتی بر آتپا صحنه گانگانه، بسپاری از این نیروها تصحیحات جبهه در عطف مشی خود پدید آورده و بسیاری نیز به حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران پیوستند.

در زمینه فعالیت‌های تئوریک، به‌بهرات می‌توان گفت که هیچ نیروی دیگری مدعی پیروی از سوسیالیسم علمی، حتی بخش کوچکی از کار علمی را که حزب توده ایران در این مدت کوتاه در زمینه ترویج اندیشه‌های سوسیالیسم علمی در میان جوانان و توده و جوانی این علم دور از انبساط داده است، انجام نداده‌اند. علیرغم خسارت‌های بسیار، مسائل امپریالیسم، مردمان، والدگان و مادران، دنیای مردم و تشریحات دیگر حزب توده ایران، باطل علمی از جانب جوانان و همه جوانان راه طبقه کارگر، استقلال می‌فرد و مارکسیسم واقعی و نه جعلی، در بی‌روزبندان مومنش و فرودتشی‌یاب،

...

حزب توده ایران هنوز راه درازی در پیش دارد و وظایف طبیعی هنوز پیش روی او و جنبش انقلابی ایران است. نیرو اصلی هنوز پایان نافته و انقلاب بورژوازی مردم ایران هنوز به فرجام قطعی خود نرسیده است، جبهه متحد خلق، در حالیکه هر روز برای تصحیح انقلاب و مبارزه حادش در عطف مشی متخاصم، ضرورت بیشتری می‌یابد، هنوز تشکیل نشده است و دشمنان انقلاب ایران، امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و معاد آن در ایران، علیه انقلاب و به تحریکات قزوقتری دست می‌زنند.

عزلی علیرغم تمام این دشواریها، رفته رفته تصحیح جنبش انقلابی ایران، قدرتمند سریع طبقاتی در میان اقشار، سازمان‌ها و گروه‌ها گسترش روز-افزون توده حزب توده ایران در میان زحمتکشان جامعه و اقشار اعتبار و حیثیت آن تود رهبران انقلاب، این اشکار را پدید می‌آورد که با تشکیل جبهه متحد خلق از نیروهای مسلحان انقلابی پیرو امام خمینی و پیروگان راستین راه سوسیالیسم علمی، فرجام قطعی انقلاب ایران بسود نیروهای ضد امپریالیسم، دگرگونی و خلقی جامعه انجام گیرد.

در دوران رژیم دست‌نشانده و وابسته به امپریالیسم معضله‌های مملوع، حزب توده ایران پیچیده‌ترین دشمن آن بالی ماند و در ابراه دشوار از شهادت، شکنجه، زندان و تبعید تهراسید، در دوران مبارزه خط‌های ایران علیه پانزده‌تکان رژیم متفرد پیروی و قطع کامل سلب امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از حیات جامعه ما نیز، حزب توده ایران پیچیده‌ترین سازمان سیاسی ضد-

به‌مناسبت آغاز راهپیمایی‌های خیابانی

آغاز

از خانه شروع می‌شود، به هنگامی که چشمان خیزش‌ها رو به انقلاب گشوده می‌شود از کارخانه شروع می‌شود، به هنگامی که پیک سنگین خشم تو فروه می‌آید از کوچه شروع می‌شود، به هنگامی که مردان، سینه از هوای آزاد پر می‌کنند از مزوره شروع می‌شود، به هنگامی که گولانان نویسان، زمین را در هم می‌کشند از خیابان شروع می‌شود، به هنگامی که فریادها را در خود جاری می‌کنند

خانه‌های خیابانی است
خانه کوچک، مزوره کارخانه... در خیابان است
انسان، آینه‌ها ازلی... در خیابان است
در خیابان است

بیپایان بیپایان بیپایان
یا مشت‌های سنگین، بیپایان
از راهی و پراپری را از راهی و پراپری
انگیز خیابانی‌ها شکره دیگری دارم
انگیز می‌اندازم شکره دیگری دارم
انگیز موصفاها پذیر می‌آید
انگیز تنها و لهه می‌آید که بر پانها جاری است

بیپایان بیپایان
تاملها راه دروغ راه، کرنشها و تاملها راه، که بافتن کشیده می‌شوند

درخت از درخت می‌رویید و انسان از انسان
من از کارخانه می‌آیم، تو از مزوره می‌آیی
ما خون تلخ تو را به خاک می‌ریزم
وجه‌های زردت، بافتن اشک‌ها و خون، یا دست‌ان نیرومند، با خنک کشیده می‌شوند

تقلیبان سلاح پرگرفته‌اند
آب‌روسیا دندان گرچه می‌کنند
دیگر پس است هرچه که کشنده هرچه که خوردند هرچه که پرند
و یا بافتن‌ها و شایان و روسپیان و کاغذ نشینان و کارخانداران قسمت کردند

انگیز باید بیرون
انگیز باید مسلمانان را با پاره‌ها بست بگیرند
و کارگران و آگاهان، که پرچم‌های سرخ پرافراشته‌اند
همانجا که سالیان دراز به جرم دانستن در زندانها سبیل دیده‌اند
همانجا که نشانان را بر سطوح سیمانی زخمه‌های تقسیم حلق کرده‌اند
همانجا که سروخونان از کارخانه می‌آیند، از مزوره می‌آیند، از دانشگاه می‌آیند...

و یزوان نیرومندی دارند
و قلب‌های صبرانی دارند
و خانه‌ها و کارخانه‌ها و مئوسها و بیمارستانها از آن انبساط
کوره و کور و دریا از آن انبساط

و حلق از آن انبساط
و لغت از آن انبساط
و یاد و خاک و آتش را به فرمان دارند
و مهر را به فرمان دارند

به کوه‌گانان ایمان بیاموزیم
به مادرانمان آزادی بیاموزیم
به دریا بیاموزیم تا دست‌انزل ما باشد
به جنگل بیاموزیم تا سرانجامان بشود

به یاران بیاموزیم تا رشدهای نسانی را، که باخون پر نشانده‌ایم، یاروی سازه
به خیابان بیاموزیم تا فریادمان را در خود جاری کنند

به آلت‌های بیاموزیم تا بر ما بتابد
بر کارخانه‌ها، کنتراول‌ها، دانشگاه‌ها... و بر ایمان ما که آزادی است

ستروان خود یازگشته‌اند و امیدشان نیست
لذاتان به تان جویش‌شان خو گرفته‌اند
زبان و درویشان و کرسپا و نوادان به‌خون تقف بر نهشته‌اند
از آنان بگوریم و به‌خود بیپوشیم

نهال کوچک ما می‌یابد، سایه بر جهان می‌گشرد.
جلال سرفراز

سیر و سرگذشت سازمان زیر زمینی «نوید» در سالهای دشوار اختناق و سرکوب خونین از محفل‌های حزبی، تاسنگرهای انقلاب

نگار انقلابی سازمان «نوید» در نخست انقلاب
چهارم، کار پرچمی است، زیاده نیستند احزاب
برادری که در کشورهای فاشیستی، در اوج قدرت
فاشیسم، توانسته باشند چنین سازمانی بوجود آورند
و آثار آزادی‌بخش حقیقت کنند و پالاتر از همه بتوانند
یک روزنامه سراسری، بطور منظم منتشر سازند.
در تمام کشورهای فاشیسم زده جهان این یک اتفاق
نادر است...
(نورالدین کیانوری: حزب توده ایران در عرصه
سیاست روز، ص ۷۵)

هفته‌نامه

نوید

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۲۲، ۱۸ شهریور ۱۳۵۸

با اعتصاب عمومی سراسری کودکانی نظامی شاه را خنثی کنیم

از تظاهرات مسالمت آمیز چند میلیون نفری ناقل عام مردم در خیابان‌های تهران

چهارم و پنجم شهریور ۱۳۵۸ که در آن روزها در تهران و سایر شهرها اعتصاب عمومی و تظاهرات گسترده مردمی در حمایت از انقلاب و علیه رژیم پهلوی صورت گرفت. در این روزها در تهران و سایر شهرها اعتصاب عمومی و تظاهرات گسترده مردمی در حمایت از انقلاب و علیه رژیم پهلوی صورت گرفت.

کشتار شاهنامه‌نگاران ۱۷ شهریور خونین، یک روز پند در روزنامه مخفی نویده

مخفی از زبده‌ترین نمایندگان حزبی بود. اکثر آنها مشول بالاخر خود را چر یا اسم بزرگ نمی شناختند. مسل و سامت ملاقات آنها، یا ملاقاتی که روی تیرهای چرخ بر می‌گذاشتند، تلافی و تلافی در برابر اعمال ترسناک می‌شد. تعیین می‌گردد. قبل از آنکه کتلتا برسد قرار خود حاضر شود با همین ملاقات سلالت خود را اطلاع می‌دهند و هرگاه احیاناً در معرض پیش می‌آید، با خارج کردن رفیقان که در مدرسه تدریس بود از آنجا، ارباب‌ملاط، امنیت شبکه‌ای که پاره در رابطه بود، تأمین می‌شد. اینگونه افراد که رفیقان از آنها با وجود داشت، مدتی مدید به پاریس همیشه از شبکه تماس‌گیری و پیش‌کش کنار می‌رفتند و به موازات پیمان فنی و چاپ منتقل می‌شدند. در صورتیکه شریه ناگهانی وارد می‌شد و یکی از نمایندگان بدنام سارا که می‌رفتند، با تلفظ تنها حلقه ارتباطی او با سازمان، هرگونه خطری برای دیگران منتفی می‌شد.

با این پیش‌بینی‌ها و تصمیمات بود که سازمان نوید توانست علاوه بر ایجاد یک شبکه سراسری اطلاعاتی و خبرگیری، میلیون‌ها نسخه روزنامه نوید و سمان‌ها در جزیره و قشرهای سرتیپ را که از خارج به کشور وارد می‌گردد، در مراکز و مراکز مختلف اجتماعی پخش می‌شد. سارا که برای مردم کشتار سازمان نوید دام‌های مختلف گذاشت. اما اکثر تیرهای او به دست خود، بارها موقوفه سواران سارا که ملاقات و مشاقتی را که اغلب «نویده» در آنها توزیع می‌شد، محاسبه کرده، اما «نویده» به تجربه دریافته بودند که هم روزهاست پخش روزنامه دم محل انجام می‌گیرد. نباید تا به قاعده مشخصی باشد. بعضی اینکه در یک محله کارگری روزنامه پاموز و شینامه پخش می‌شد، میدان فعالیت باید بلافاصله به منطقه در دسترس منتقل می‌گردد و تمامه‌ها از این محله بر می‌زند. وقتی شریه به مناطق مختلف تقسیم می‌شد و مسئولیت‌پخش در هر منطقه بر عهده رفیق خاصی بود، تنظیم این برنامه دشواری نداشت.

این‌باری پخش، هر که خطرناک‌ترین وظیفه سازمان بود، از اصرارهای دیگری هم استفاده می‌شد. استفاده از پست معمولی‌ترین و بی‌خطرترین راه بود. به‌عنوان هشدار در مورد این پیکتت‌های پستی به سلامت به مقصد می‌رسید. به‌شکوه دیگری قرار دادن سه سالی چند دهاتی روزنامه و اعلامیه در محلات شلوغ، پارک‌ها و کارگری و دانشجو، باجوری در خود می‌نهادند. ما در بود، در اغلب این موارد هر ماری یا حاضر پیش از یک نسخه بر ترمیم‌هاست و عمل پخش بطور طبیعی بود. جزاین طریق می‌گردد، در صورت آری از خلاصه این هشکار قیاس‌بندی، سبب پخش روزنامه‌های می‌باشد و از این‌گونه راه‌ها خود را می‌پوشاند و با پیکار می‌بندد، ظرفیت و امکانات خود را با پیکار که در نقاط روستایی مقرر تصویر می‌گردد. اطلاع می‌گردد. در این زمان هر یک از اندک بزرگ، که با تازگی سایل و دشواریهای بسیار نیز بی‌ار و آورد و به‌ساز از سرعت و پیکار سازمانی سرکاست، امکان ادامه کار

در روزهای نخست، سازمان نوید در تهران و سایر شهرها فعالیت می‌کرد. در این روزها در تهران و سایر شهرها فعالیت می‌کرد. در این روزها در تهران و سایر شهرها فعالیت می‌کرد.

پروسی سیر و سرگذشت «نویده» تنها تشریح
زیاده‌تری آخرین و دشوارترین سالهای اختناق و
سرکوبیه تنها گشودن دریچه بروی خاطرات یک روز
میکند مرگ و زندگی نیست، این پخش از تاریخ
مقاومت خلق ماست که مانند همه نبردهای سیاسی و
توده‌ای، نوریها و آموزش‌های پربهای آن یافته
است.

«نویده» در شرایطی قدم به کارزار گذاشت که
توکل حزبی و بی‌برواری تروریسم سازمان یافته
دوای، با اوج و جلونی رسیدن کشتی در آباد
چهارم کشت نظیر داشت. خواندن یک کتاب ممنوع،
نوشتن یک شعار به دیوار، پخش چندتا اعلامیه،
علاوه بر جمع‌ترین شکل‌های جسمی و روحی،
مقوی بود. در آن زمان آید و گاه اعدام داشت. برای
اینکه آثار اعلامیه‌های پدیدار و سفایف‌نشدند دادگاه
های نظامی، که روی ذخیرترین حکومت‌های معاصر
راست‌گردد بوه، از حد تصاب تکان دهنده‌ای که
داشت پالاتر ترود، اینگونه می‌آورد با صحنه‌سازیها
و صحنه آفرینی‌های تکراری در ترمینها و خیابانها
قتل عام می‌شدند.

در پایان سال ۵۸، گروهی که به‌نام «نویده»
شهرت یافت و به پرزگترین سازمان مخفی حزب
تبدیل شد، در اسراک حزب در خاروق کشتار اطلاع‌داد
که آنگاه های لازم را برای انتشار یک روزنامه
سیاسی افشاکر، تبارک دیده است. این واقعه‌اشته
بوده:

«یک‌دلیلی پلوه‌ای اصیل و دانشمندی که
سوزش آتزا شغی می‌زند، بیانش، یزترین
حاصل‌آمیزه، تدارک پر حوصله‌ی گوی‌روانی
است که در آن قهرمانان مغزوی خلق چسای
خود را به خلق قهرمان می‌دهند. برای این
قهرمانان پروتکت، چه پلوی بی‌مهرتر از
تورای مارکسیسم انقلابی و مارکسیسم‌پلوی
دویمین مارکسیستی جز سوشل‌نیزه پهلوانی
حزب توده ایران است...»
مرکز حزب این هم را توجیه گشت و از طریق
زادین یک ایران پیشند کرد:

«تمام توژانرا «نویده» بگذارد، از به استقبال
وظیفه دشواری می‌روند»
و نخستین شماره «نویده» در اوایل دیماه همان
سال در تهران منتشر شد.
«نویده» در آوازها فصل‌نامه بود و در کمی بین
۱۴ تا ۲۷ صفحه تنظیم می‌شد. با اجدادترین سایل
دستی پلوی گریه و دردی‌روزانه در حدود هزار
شماره تنها در تهران پخش می‌شد. اما پس از چند
شماره، «نویده» به سراسر ایران و با انتشار یک
شماره، علاوه بر پیروان سریع کیتی و نشی،
نشته به تیراز آن اضافه شد. این روند، با دستگیر
فعالیت «نویده» در ایران متوقف شد. اندام داشت.
با باخوشی موفقی سندهای حزب، وظیفه «نویده»
به‌سرانبت سنگین شد. و به حکم ضرورت جدید،
تاریخ انتشار آن به‌طور متغی درآمد و بر حسب
مقتضای سیاسی و نیازهای روز، گاه دو تا سه
شماره در ظرف یک هفته منتشر می‌شد. این ضرورت
جدید، روی افشاکر بی‌تسای تیراز تأثیر عمده
داشت و این امر به خوبی خود به ایداد مرکز متعدد
چاپ در تهران و شهرهای بزرگ دیگر منجر شد.
«نویده» در طی سه سال و سه ماه فعالیت مستمر
زیاده‌تری خود، راهی دراز پیوند، نیرو و گذشت
او، تجربه یک سیاسی و سازمانی حزب بود، اما
حتی این پشورانه حکم قادر نبود تمامی مغفارت
راکتار بزی و پلانی از تکرار پاردهای کشتک مار
اشبهات و به زمین خوردن‌ها و زخم‌های با دستن‌ها، که
در جریان کار ناگزیر است و تنها با تجربه شفصی
قابل درک و جبران است. پیش می‌گردد. این پشورانه
تجربی، که به‌صورت نوسندهای حزبی در اختیار
سازمان نوید قرار می‌گردد، تنها می‌توانست ظلمات
و شباهت را به حداقل برساند و وحشیاری و ابتکار
گردانندگان «نویده» را سبب کند و تیز کند. کتلتا
یک مرکز چاپ در اسفهان و دو مرکز توزیع «نویده»
در تهران و اسفهان و دستگیری تزی چند از اعضای
فنا سازمان، که البته تعداد آنها از انگشتان یک
دست تجاوز نمی‌گردد، شریه هالی بود که توسط
سازمان نوید، تیرود و وارد آمد. اما این شایعات
با توجه به دانه گسترده‌ای که «نویده» برای حضور
و مبارزه خود، در بسیاری از نقاط کشور فراهم آورده
بود و نیز با توجه به تیراز روزافزون آن که در
آستانه انقلاب به ۱۰۰ هزار شماره و پس از آن به
۲۵۰ هزار شماره رسید، گسترین سندهای بود که
می‌شد اطلاع داشت.

از پقا و ستاد «نویده» در خونین تیرین و
افشاکر گزیده تیرین دوران بود و پخش روزنامه
شاه - سارا که در دوره نخست سازماندهی آن
آن بود. شبکه بعضی «نویده» در تهران و سایر شهرها

سیر و سرگذشت سازمان زیر زمینی «نوید»

چشم و چراغ

تیره همه گیر بود که سخن لغات رژیم و اشکست،
«نوید» کشفته قبل از روی کار آمدن حکومت
نظامی از مزارع از این توطئه بهره برنافته و اعلام
خطر کرده بود که:

«این میرفرضب سوسیالیزم در ایران مأمور
اچرای توطئه های ضدملتی شده است. جلاحد
تلاشدارن هر چه قیمت در سودای درهم شکستن
خلق است.»

طرح شمار دام تصاب عمومی و افشای پنهان-
پیش توطئه گشتار شاه - اویسره یکی از نوتنه-
های بارز تلاش مبارزاتی «نوید» بود. برین شمار-
های موعوع و گره گشای حزب در دانشگاهها و کار-
خانهها و حتی یادگانها، بسیج افکار و نیروهای
خلقی برای دفاع و پشتیبانی از مبارزات سوسیال-
دیگر، به یوزر کارگران و علمی الفسوس کارگران
تبریران قیمت نفت، افشای جنایات رژیم درشهر-
ها و قطعنامه مردم و گزارش مبارزات اوج گیر در
گروه و کنار کشور، که به تفصیل در اسرع وقت
در «نوید» - و تا مدتها اطلب تنها در «نوید» -
منتشر میشده، افشای مرموع شیات ارتش و ساراک
شاه به محلات و قره مناطق وسیع برای خانه گران،
افشای مبارزات زندانیان سیاسی و تکیه کار بر زندانیان

پرشگون بود شیون تو
پانگ تو به زندگی
که از خشت برآمد
در خشت خون

بیدار نخستین لیشندت،
خانواده بزرگ بروی تو خم شد
ایران نماز بود
که اسفانه سترونی را
تول تو
از تاریخ قوم پیر ستره بود.

چشمات
با آسمانی تازه پیوند داشت
با آفتابی تازه
چشمات تو در دیده باغ رویا بود.

نه هنوز دندان جویدنت نبود
که شیر میخواستی
شگفتا از زمینه کین وسینه سیربانی.

دلایان
مادر و کنار میزند
مادر که پشایی و شکفتی این زایمان
خزند بود
شکفته و تران خوان.

اما شیطان
کرد پسترت پر سه میزد
و فرشته
تعبیانت بود
دستیهای توب فارغ و بی پروا -
در قضا

کاکلی کوششهارا میگرفت
کاکلی تانهارا زها میگرد.

بمانداری تو یگانه
پراکنده گرگی و فوفو در گرفت
شور و هیاهای بیم آمیخت
و نیتک با راستی
در آمیخت

اما تیار تو کم نشد
که از رخ برآمده بروی و عاقبت
هم در دستهای کارگروه نشستی.

سلام بر تو که واژه زنده پیوندی
ای تو
بستان و بیوستگانم را
نمی شناسم

برو ای الفسوس الفسوس
خون خوار، برادران و کسانم و...
سلام سلام که پاتو گمشمارا یافته ام
رفته هارا حتی
که صورت دیدار تو بودشان و
میرفتند.

سلام ای تنگ اولین
که هزار پشایی خیالی بر تو استوار کرده اند
اما تو
آن خاله امید باشی
که باید بر آید.

شامزاده قصهها پوی
پری اسفانها
عاشق ناکم همه شرها
اما در گوارا و اقلیت
از همه برتر آمدی
نیگوت آمدی!

می شنیدی و دندانهایت را می بینم
آن فوطره شبتم شیرگونه را
می نوشی
گسسته وسایند و نامم
گام بر میداری
لذتان و لذتان
ملتی و برمیگزینی
دست پر دست میزنی، آرام!

راه ما فرزندانم
سختت را بتمامی بخود خودی
دندانهایت را بکار بگیر
سپهت را
پادا استوار کن
تن و توش همگانی تو
چشم و چراغ خلقی نوحه استای
برومند و پالنده شو
بیشتر و بیشتر، بیشارن ای
نویافته فرزندانم!

راه ما فرزندانم
سختت را بتمامی بخود خودی
دندانهایت را بکار بگیر
سپهت را
پادا استوار کن
تن و توش همگانی تو
چشم و چراغ خلقی نوحه استای
برومند و پالنده شو
بیشتر و بیشتر، بیشارن ای
نویافته فرزندانم!

سپهت را بتمامی بخود خودی
دندانهایت را بکار بگیر
سپهت را
پادا استوار کن
تن و توش همگانی تو
چشم و چراغ خلقی نوحه استای
برومند و پالنده شو
بیشتر و بیشتر، بیشارن ای
نویافته فرزندانم!

سپهت را بتمامی بخود خودی
دندانهایت را بکار بگیر
سپهت را
پادا استوار کن
تن و توش همگانی تو
چشم و چراغ خلقی نوحه استای
برومند و پالنده شو
بیشتر و بیشتر، بیشارن ای
نویافته فرزندانم!

صافی سانسور دولتی و اتوسانسور موسسات نشراتی
میکشفت و با انواع جعل و تحریف می آمیخت، باور
سالم و همه جای پیگیرهای مصلح زده برسانند.
به این وظیفه سنگین، تقسیم مسیح روندها و
رویدادها و بیرون کشیدن مضمی درست مبارزاتی
از میان مجموعه پهنج و متحول حوادث، و بر این-
اساس، تعیین شمارهای دقیق تاکتیکی ارائه میدند.

تقدیمی ترین نتیجه ای که ۵ سال مبارزه
سیاسی سازمان نوید، بتواند یکی از شاخصهای
حزب توده ایران، و سمان و سمانه فعالیت بی وقته
تشریح نویدند در بر داشت، پلان این شبه توری
خرده بورژوازی بود که، با معلق کردن توانایهای
دیکتاتوری، جل مبارزه مسلحانه نروغ مبارزه دیگر
را ناممکن و بی ثمر می بیند، و در این پندارتیز
عملیات ترویجی و روشنگران انقلابی سنا از توده
و عمیقان دلیرانه و بی دوزخهای نیکان را تنها
شک ممکن مبارزه مسلحانه می شناسد.

مساله خالوهای اینجاست که در شرایط اشتیاق
و سرگرمی بی پروا، باید مناسب ترین و کمه ایست
ترین شیوه تشریح و دفاع و مداره کشف شود و گرنه
شکلیت یا نارسائی یک یا چند شیوه و شکل مبارزه
سیاسی، به معنی بیست مبارزات غیر مسلحانه نیست.
یازده نظامی در خدمت هدف سیاسی است و هر جا
که حزب و سازمان سیاسی بصورت زنده و فریاد
تشیقات نظامی درآید، از مارکسیسم انقلابی تنها
کارگزاروی بر جای خواهد ماند.

در بی طیفان گسترده ام، که به خون کشیده
شد، و قیام ۱۰۰ هزار نفری نیز، که رژیم را
سپرتارز کرد، دیگر تردید نبود که انقلاب باز شده
است. نوید به این واقعیت راه، که هنوز باز بسیاری
از یاورها نمی کشید، برای اولین بار مژده داد:

«تولتی یک خلقی یا پویشی است - سنگ
و کلوخ درگسترهای علمیه به جنگ تاکتیا
و مسلسلیا میزوره واتی شعارهای آزادی را
یا خون خود شعله میزند و مرگ را برای
مخلای کورن آن زندگی گوسفندی و تعریف
آمیزه که میخوانند به او تحمیل کنند. می-
باید در پیش آن لفظه انفجاری فرارویید
است کار... کشتگان به شیوه گذشته
توانند اند... کشتگان نخواهند
مانند گذشته حکومت»

پدید آمدن وضع انقلابی و وظایف
در دستور روز همه سازمانها و احزاب سیاسی
میانه، تعیین درست ترین شمارها و بسیج تودهها
بر موعود این شمارها، که از دورن واقعیات مینی و
حرکت زنده مردم باید استخراج شود، سلسله ترین
وظیفه بود. نوید در این دوران منظره این-
شمارهای راهگشا را پیمان توده برد.

در فرای جمعه خونین ۱۷ شهریور
و برقراری حکومت نظامی در تهران و دیگر شهر-
های بزرگ بر اساس این برداشت که در شرایط
کمی جدید، نظامات وسیع خیابانی، کمه مده ترین
انرم مبارزه مردم بود تا مدتی عملا ممکن نیست
برای مبارزه مسلحانه هم منزل آمادگی توده ای وجود
ندارد و ابزار و لوازم کار و زمینه های لازم متراکم
نشده است. «نوید» به این نتیجه رسید:

«تکلیا یک راه پالی است، موفرت ترین
راهه یا اختصای عمومی سراسری کردنی نظامی
شاه را علیه مردم مردم شکستیم»

(نوید) شماره ۴۴ - شنبه ۱۸ شهریور
این شمار، در فضائی که قتل عام بیرحمانه
مردم بی دفاع در ابدای بیسایه، خشم خلق را به
نیت آمیخته بود، پاسخی بود به سوال ناگفته ای که
بر لبها و در چشمها و دلها سوچ میزد. شمار
دام تصاب عمومی، که کامل زمینه مینی داشت، چون
قیله آتشی به آتیار باورت افتاد. امواج احساسات
یکی پس از دیگری تیرا رسید. عظیم ترین کارزار
خلقی علیه نظامیان پرا افکار و هر کارخانه، هر
دانشگاه، هر مدرسه و ادار و معلا، هر واحد کار
و عرصه فعالیت تجاری و ارتباطی و اقتصادی، به
یک سنگ فعال بدل شد، و میدانیم که سرانجامین

بقیه ازصفحه ۶
این رسالت نامم را بر همه دیگر مبارزان حزبی
بگذاره و همه بنام نوید، ما اسباب کرد. مرکز
حزب ازرقای نوید پرسید:
- مبارزید این روش خونین راه که
بر زمین نبرد افتاده - دویاوه به اشتزار
درآورید؟

رقای نوید پاسخ دادند:
«این انقلاب بزرگی است. روح مشتعلی
که دروای نام میسوی حزبه ازبیده است و
بیکر یار دوستین سگهای انقلاب، حاضر
خواهد شد. بگذار بیکر قهرله در زخم و
خون رقیب تیرایی، از زیر خاک لیشند بزنند...»

دیسوی حزبه، که در سوسین شمار، خسرا با
تیش قلب بیجاندار خود متوقف شده بود، در جوسی
به عقارت یون ۱۰ تا ۱۰۰ سقمه، دویاره به راه خود
از میان پرنگامها و سنگلخیا ادامه داد. کچه ای
تشریح سیاسی و تشریح مرکز توده است پایهای
«نوید» حضور خود را در جامعه گسترش داد و به
تیراهای بالا دست یابده، اما بسیم خود در شلمان
ایدئولوژی علمی طبقه کارگر و دانشندان بند توری
انقلابی در زمینه اشتیاق علمیه مطلق ترین
معیان در ایمان آن بسته میشد و رشد میگردد. نقش
شایسته ای را که، نیمی از مسجده، دیسوی حزبه
و اعتلاات و متولهای ممانده تیرا، ارگان سیاسی و
تشریح کمیته مرکزی حزب توده ایران بر میگردد و
نیم دیگر به پشاهای تئوریک در سطح جنبش و
مسائل و مطالب تقصیلی سیاسی اختصاص داشت.
گاهی گدرا به تیرهای پاره ای از مطالب «نوید»
حزبه، هورت این تشریح را در خطوط کلی اش معرفی
میکند:

- مارکسیسم-لنینیسم و مذهب (مناسبات
احزاب کمونیستی با مذهب و وضعیت کسانیکه به مذهب
باور دارند)
- درباره ترانکت. چشمه اتولع آن، مجری
و ساختار آن و زبان و نحوه استدلال آن، اسرول
ایدئولوژی و پایه های روانشناسی عمومی در نحوه
استدلال ترانکت، وسایل و طرق نفس ترانکت...
- راه و روش فرس مانهادی - از دوره لنین تا
اسرول.

- از سگرتاری سلطنت استبدادی تا استقرار
جمهوری ملی دموکراتیک
- توده، هیوه لوتیک مبارزه مسلحانه نیست
- برخورد حزب توده ایران نسبت به جنبش

جنبشی
- انقلابیگری خرد بورژوازی (از پروند و
پاکوتین تا روسکی و وات)
- بررسی اشتیاق موضوع جدید اشتیاق -
کشتگان سازمان مجاهدین خلق ایران (سازمان
پیکار...)

- جنبش نوین کمونیستی به چه مناسبات؟
- یک ازبایی عمومی درباره تاریخ پهلوی
اما دیسوی حزبه بیشتر از ۱۲ شماره نپایید.
حزب انقلاب که با شیبهای سامت در سراسر
کشور زبانه کشید، نتشند نیز نوید و انتشار
پایهای شمارهای آن در دهها هزار تیرا و پدید آمدن
وظایف نوین سازمانی مبارزاتی که با شریک جدید
روشن انقلابی تاسیس میشد، ادامه دیسوی حزبه
را با توجه به امکانات سازمان نوید عملا ناممکن
میکرد. وظایف تمام مبارزه سیاسی در کیشی تازه
و انگه مدارک اقدام نظامی، که به شدت سرچشمه
میباشد امس مبارزه تئوریک و پایه ها ضرورت آن
نصحا لتصاح برادر میانه، روی لکه خف کند، درین
دوم میراند، با همه شدن پراتیک، تئوری تاجدی از
حزب قلمی می افتاد و امس پراتیک، تشریح همه
نیروها درام سازماندهی و تارک مبارزه مسلحانه
توده ای ایجاد میگردد. گزاینه که مصلوف به تشریح
دیسوی حزبه بود، در نوید تنها روزنامه
بنظم و با انسیبه سراسری انقلابی که به سرز ۱۰۰
هزار شماره توزیع میشد، تشریح یافت. «نوید»
باید همه آن رویدادهای بزرگی و مبارزات فائقه
و بسیار پراکنده خلقی راه که به وسایل ارتباط
جمعی لفته همه راه نمی یافت، و یا لگی می یافت، از

جشن انقلاب برملت ایران مبارک و بر رهبر آن امام خمینی خجسته باد!

مردم مین ما، دایم دا به درازای دوزخ و یاسد سال، نبرد و دنج خون آتیه، تازیانه و
تیرمه، همورد و به مرز انقلاب رسیده، چایتکاران و خاکین را فراری دادند، درین کتیب و سفور
شاهانه ای را مدلول کردند و برای اولین بار در تاریخ زندگی خود، نظم جمهوری اسلامی را برپا
نمودند.

تکلیات حکم ارتکاب زان ایران ساکنست انقلاب دا به ملت ایران و دین انقلاب نام خمینی
نیت می گوید و در آنجا تصون ساکنست انقلاب از حد مردان و زان ایران می طلبه که از
پاسداری حرمت انقلاب و خون شهدایان آتی قتل کنایند
در راه اتحاد همه خلقی ایران یکپوشند
در راه مراند برای حفظ و تداوم انقلاب با ای جان مبارزه کنند.
بکوشند با همداری و آگاهی توطئه های ضد انقلاب را خنثی کنند.
به پیروی از خط قطعی خلقی ضد امپریالیسم امام خمینی، همه نیروهای خود را در جهت
مبارزه با امپریالیسم جاهلطور آمریکا متمرکز کنند.
و با در دایم مبارزه هم نشان بدهند که زن و مادر ایرانی حقیر، مبارزه از خود گذشته
است و انقلاب را عزیزترین عزیزان و همه بر شکوه مرادان سال ای حتی و رایج خود می شمارند و آنرا
پرستار و پاسدار میباشند.

تشکیلات همکارانیک زان ایران
۱۸ بهمن ۱۳۵۸

بعضای این مجامعات بود که در گزارش هیات
اجرائیه به شانزدهمین پنوم کمیته مرکزی حزب
توده ایران، با این زبان از «نوید» - «نویده»
تخلیل شد:

«انتشار روزنامه «نوید» که ابتدا در ۱۰۰۰
نسخه و در هفته های اخیر در ۲۰۰ هزار شماره چاپ
و منتشر شده است، تأثیر فوق العاده مثبتی در بالا
بردن حیثیت حزبه، در بردن افکار و نظریات حزب
و ایمان قشر قابل توجهی از مردم و به یوزر در میان
کارگران و روشنگران و دانشپویان داشته است...
۱۰۰۰ و ۷۰۰ و گامی ۲۰۰۰ نسخه اقدام کرده اند،
برخی با تکیه و بعضی دیگر با چاپ متوالی از
«نوید»...»

پیروزی انقلاب، اقتضای مبارزه زیرزمینی راه
که «نوید» از عرصه آن برآمده بود، از میان برداشت.
در آخرین شماره «نوید» که در ۱۳ آبان ۵۷ منتشر
شد، دماج روزهای چنین به چاپ رسید:
«بیا انتشار هفتاد و سومین شماره
«نوید» به عرصه جدید تلاش و پیکار می-
پویند. انتشار نخستین شماره مجله، ارگان
مرکزی حزب توده ایران، در شرایط فعالیت
علمی تمامی احزاب و سازمانهای سیاسی، که
بیمین انقلاب مردم سلطشور مینم سا بیار
امده لزوم ادامه حضور «نوید» راه که
باصفوی ضرورت مبارزه زیرزمینی بود، از
میان برداشت. «نوید» که طنینی از صدای
مردم زیر یوغ و تسلیم تایلر ما و تئشاریه
مطلب سیاسی داخل کشور دستترین شرایط
ترویج و اشتیاق و سانسور بود، اینک بصورت
شاههای پرداخته دیرینه مامدرویش (روزنامه
مردم) جوش میخورد، زیرا خود از آغاز ریشاهی
سویز افراشته از انیوه ریشه های این درخت
تکاور بود. امید که هرگز در میهن ما آفتخان
شرایطی تکرار نشود که ضرورت انتشار نوید
و «نویدهای زیرزمینی را ایجاد کند.»

سپهت را بتمامی بخود خودی
دندانهایت را بکار بگیر
سپهت را
پادا استوار کن
تن و توش همگانی تو
چشم و چراغ خلقی نوحه استای
برومند و پالنده شو
بیشتر و بیشتر، بیشارن ای
نویافته فرزندانم!

از اولین خروش تا سنگرهای خون پیروزی



گام به گام با انقلاب ایران

یک سال از فرودشستن آخرین مژدهای رژیم دست نشانده پهلوی میگذرد. مردم ایران به پهای فداکارانه و قربانیانه و قهرمانانه کوشیدند، برای همیشه سلطنت راهزنان تاریخ سردهاند.

انقلاب ایران از روزی که اولین جرقهها در تاریکخانه استبداد پهلوی روشن شد، تا روزی که پادگانها و پادشاهی تودههای مسلح تودهها چون لولههای نو در تاریخ مبارزات خلق و انقلاب های جهانی، بخش جهان، خویش و راهروز همی رفتند.

یکسال و هشت ماه مبارزه تودهها با رژیم پهلوی شاه خائن، پرده سخت زنگارگی از شیوههای گوناگون و متنوع مبارزه اجتماعی را برسم کرد. تنوع اشکال مبارزه در ایران، بدستهای نوین برپایه شرایط عینی و آداب اجتماعی، ملی و مذهبی تودهها، و درهم آمیختگی شیوههای گوناگون مبارزه در یک لفظ معین، با وجود مصلحت بودن یکی از آنها، تیره های سخت اوژده است. تجربه های که خلق خود را از روش های انقلاب ایران و شرایط خاص مبارزه ما کسب کرده است.

دولت پستی از ویژه نامه مردم به مناسبت سالروز انقلاب ایران، این تنوع در اشکال مبارزه دیموروی پیرویدانهای انقلاب ایران، استخراج و دسته بندی شده است.

در این بررسی، از میان آنچه حوادث و رویدادها، اساسی ترین، کلی ترین و مهم ترین آنها انقلاب و جمع بندی شده است. کوشش خواهد شد این بحث بسیار اساسی باشکلی، وسیعتر، در آینده نزدیک منتشر شود.

در این بحث همچنین نقش بسیار فعال حزب توده ایران در انقلاب پرشکوهِ خلق، ازویایها و تمایزها و روشمندیهای حزب ما، از منظرهای انقلابی خود را پیشرو تمام نشان میدهیم.

لازم به تذکر است که پایهای عینی انقلاب و پیدایش شرایط انقلابی در ایران، موضوع بحث دیگری است و در این قسمت بدان پرداخته نشد، در حالیکه همچنان این پایه های عینی انقلاب، نوشته ها را روشن بوده است.

در این بررسی، عملکرد سازمانها، احزاب و گروهها مورد نظر نبوده اند، و تنها به روند کلی انقلاب و ارتباط آن با رهبری انقلاب پرداخته شده است.

توجه داشته باشید که این مطلب در جهت محدود کردن حیطه بحث اختیارات این نشریه است.

همه این اعتراضها، در بارشای کوهها پشتبانه دارد. در روزهای تابستان ۵۶ اعتراضات کارگری، کانتونی و نظایر آن وسیع مانع جریان کشور را گرفته است.

طوفان عری از ۵۰ اصحاب کارگری و کانتونی و همبا انضباط دانشجویی میدهاند. در هزار نفر از زندگانشان خارج محدود، با چنگ و دندان با رژیم تیکار شاه مخلوع می کنند. روشنگرانی که در خارج از کشور پس میروند، سعی می کنند با یا صدای ناراضیان داخل کشور پیوند بزنند و نامه های انتشارات به سراسر دنیا سفارش میدهند. رژیم روشنگرانه و پهلوی و حقیقت به خارج محدود، به انضباط کارگری و نظایر آن دانشجویان حمله میزند و برخی از مترجمین را دستگیر میکند. اما زلزله عظیمی که امسال جامعه را در لرزانه اولین اشکال ما را در سبقت استبداد شاهانازاد و هویدا نسبت بزرگ ۱۳۵۸ رژیم وسیع تر و گسترده تر از قانوی و انضباط از حزب واحد، تا این استقلال توده های سیاسی و سازمان کانون اساسی، از آزادی زندانیان و تجدید سیاسی و آماده حیثیت از آن، این خواستها در فضای سیاسی هر روز در جامعه اعتراضها افزوده میشود.

و چون در سوختن نامه کانون نویسندگان، یا اشای بیشتر از صد نفر انتشار پیدا میکند، از صد نفر از قنات دارگستر، بی نامه سرگشتهای پهلوی اندامی کشور، به پایمال شدن استقلال

حماسه توده های گمنام

۷۷ شهریور، از پشت میدان راه، زده ای خرابان صاف هرزه دستهای که یک دهان شده بود، از خشم و کین می فرید: «دیگر مرگ بر شاه! و امام شور، از کوهها و پس کوهها، از پامپا و از غلغلها، کام مرگ، از راندها، موزموزها، از موری که میگریست و مسرودش میگریست، از پندی که دیوانوار طرف میدان راه میزد، همه و همه با یک صدا: مرگ بر شاه، مرگ، مرگ، کوهها، حمله ها، دهان پهلوان نعل میشد. حمله شایسته ای سوزانی که در میدان راه و سنگرشیا رویداد، گل کرداد. حمله ها برجسته ایرو و استواری خلق میشد.

شست شده بود، لیش یکی از کوههای حوالی شیخان صفا مستند، جوانی حماسی را برای رفتن بازگو میکرد:

... توده های رودین ۱
... ۵۶
... تری میدان راه بود، پهلوان حله، همدانه، وقتی گلوه خورد و انگ روزمین دست کرد زلزله ای، یک دسته توده مال حزب کوه دورت کرد هوا، سرازا جلاشون با گلوه پست.

سرا را بالا گرفت، گلم: کیا ۱
میخواستن دوباره بگردند، گلم: ۱
... تری میدان راه
... گلم: خدوت دوی ۲
... گلم: تراخت شد، گلم: حالا وقت دروغ گشته ۲ یا دوتا چشمای خودم دیدم.

از جایی پانندشاد و با گردن برافتنه طرف میدان راه دویید، گلم: کوهها، زلی یک شماره توده خون آلود را چپرا میگرد و روی سینه اش می گذاشت. رویش با حرف درشت نوشته بود:

حمله انقلاب و قیام خلق ۱

گامه اول انقلاب

نامه های اعتراضی و خواسته های ملی - تابستان تا دیماه ۱۳۵۶

خوبه تجربه بزرگترین گروه خلقی حزب توده ایران، سرنگاله شماره خلق خود را در دهان سال ۵۶، نامه های اعتراضی و خواسته های ملی، همان حد، مابین این عنوان را برای این گامه از انقلاب برسم کردیم.

دعایان دوره که از آغاز تابستان سال ۵۶ آغاز شد، روشنگران و ناراضیان دولتهای سرگشته ای خطاب به شاه مخلوع و هویدا، بخشی از مطالب ملی و سستی را که بر مردم بیفتد، افشا کردند.

دعایان نامه آزاردهنده ای قانوی چینی طلب میشد و اجای قانوی اساسی و بازگشت مشروطه درخواست میگردید.

بروم این نامه ها را مستند است مبارزانه و آرام آرام به استبداد سلوکی شاه مخلوع میبگشت، اعتراض نامه های فری برست

جای خود را به نامه های انتشارات و اعتراضی گروه داد ۴۶ تن از قضات و کلاهی دادگستری ملی نامه سرگشتهای حسن انصاری به اوایل بهمن فرود پیداد گسترش، که برخلاف اصل مریخ قانوی اساسی، قوه قضائیه را به زیر یوغ قوه جبریه سرگشته، استقلال و اعتبار دوباره قوه قضائیه را خواستار شده، و این نامه بلافاصله از شرق و کلاهی زندان با سب کالیبه نامه شد.

در همین روزها به سرگشتهای ازسوی کانون نویسندگان ایران، پدافند چهل نفر از سرگشتهای ترین نویسندگان و مترجمان کشور، خطاب به هویدا منتشر شد.

خواستهای روشنگران و ناراضیان دعایان نامه ما، میزان صورت زبرین جمع بندی کردیم.

آزادی اجتماعات و مطبوعات،

تابستان ۱۳۵۶، در شرایطی که روشنگری رژیم آریاسری در میدان و «صدف بزرگ» شاهانه از جمله گرفتار رسدانی برق بود، جامعه ایران، غرض خویش آغاز کرد.

گام به گام با انقلاب ایران

پایه از جنبه قبل
نیروی که در پی راه حقوق بشر است
خوب میگذرد، با عیار نوان بزرگوار
پیش روی باز شدن فضای
سیاسی، دولت جدید با همان
برنامه‌های قبلی بکار انداخته
میدهند و گویا به حکومت سواک
به روشی تکرار شونده شکل داده
دارد. در این میان نیروی ترقی
انقلابی گروهی چهارم است -
خبر از زرق‌های که ایران را از
پنجاه سال پیش میبرد. به راه خود
میروند.

سرمه فرا میرسد. ایران
بعد از سالهای طولانی شاهد
اولین مجمع راستین بوده است.
کانون نویسندگان ایران، با
رجوعی به آیین، از فرستاد
میروید و با استفاده از اندک
تعمیراتی رژیم و فضای سیاسی
گذرد. شبی کانون نویسندگان
را در باغ بزرگ ایران و آلمان
فدرال برقرار میکنند.

پایه مردم به این اجتماع
تنگنا نیکبخت است. از همان
اول، با اینکه باغ در محله
سواک و شیرینی است، درها
جواز نمی‌گردد هم می‌آیند
مستشاران علیه سانسور است و
فضای بازتری را طلب میکنند. مردم
در غیوب فریاد خود، شایان و
مستشاران را تقوی میکنند.
هر شب بر تعداد حاضران افزوده
میشود. شب سوم، خیابانهای
مراکز را پر کرده اند. صدای
صوت سخنان و اشعار را غیوب
میکند. مردم جیت حسرت و
خواست خود را روشن می‌کنند.
دهد که غایب مرفی شنید
عاشقانه‌های میونگ و مردم
انزلی تصمیم به ترک باغ می-
گیرند و شایر را می‌بکنند
هر شب آهنگ سخنان و
شیرا، طبع مسموم قلبی
تند و تندی میشود. شبی آخر
پاران تندی میبارد، اما اجتماع
ایرو، ایرو می‌شود. شب آخر
با سخنان پادشاه تمام میشود.
پادشاه می‌گوید: «ما همیشه
استبداد است».

توده میروند. شبی که
شایان و نویسندگان ایران، که
به هفت کانون نویسندگان -
نگار شد، از صورت باغ فریاد
آیند و رفتی به یک تظاهرات سیاسی
و تظاهراتی پل شد. شبی که
شیرا، چلوهای از شکوه آهنگ
میزند، «تاریکی که صرف نظر از
مستشاران، تظاهرات و تظاهرات
سلیقه و تنه‌های سخنان،
تبار می‌شود. شبی که آن نیز
شیرا، می‌تواند شکل بگیرد.
این تصویرهایی همان صورتی است
که حزب توده ایران در شعار
روز خود، بوجدت همه نیروهای
فردی و اجتماعی، مطرح کرده
است. (شماره ۹، آبان ۵۸)

در روزهای پایانی مهر و آبان
آبان، مهران با سخنان صریح،
مبارزات زمین‌لرزه‌ها، «توده»
به این روز رسیده و در چند
نقطه به یک جگ تن به تن می‌آید
گروهی شاه مخلوع تیربارن شده
است. تظاهرات دانشجویی، که
از آغاز سال تحصیلی آغاز شده،
در آبان ۳۳ بود.
سواک به دانشکده‌های دولتی
گند و کینه‌های دانشجو را
می‌بندد و در آن می‌کشد. در
انزلی و در این روزها دانشجو
دست تظاهرات می‌زنند. آن-
های چندی که اندک تکلیف،
با تامل، طی نامه‌های سرگشاده،
به این روزها اعتراض میکنند.

تظاهرات و اجتماع و اشعار -
انتخابات کارگری تباران زین -
بنای رژیم را می‌زنند. کارگران
بازاده ۲۵ شهریور، کارخانه
پنجاه خاورد، کشتی چشم -
چیت، چنان، ایران قان، ایرنا و
گروه منشی قلمی در حال
انضام پس می‌روند. شاه خاق
به دست پرسی ارباب رفته است.
توزیع به ۱۰ هزار دانشجو ایرانی.
تظاهرات گسترده ایران-
های مرکز و شمال، انزلی بزرگ
انضام میکنند. در این سلسله
شاه خاق نامه حمایت‌های بی‌سند
را از باغ و تخت خود آورده که
روز بروز متزلزل میشود. نظام
بیکر -
در این روزها رژیم سیاست
دست



موجی از دریای خلق. اینجا تنها گوشه‌ای از انبوه جمعیت است. موجی از ۳ میلیون انسان، عاشورای سال ۵۷ (۲۰۲۰ هجری) و راولدوم نزل طاغوت

عورت روشن بینی و آملالی
تقریب و اصلاح هستی
فریادی می‌آید و فریاد
جیبی بلند و کفایتی درخشان
و نوبت پختی است ...
(شماره ۱۷، ۱۷)

در همین روزها رژیم دست
به عقب نشینی تازه‌ای زد و اعلام
شد که شرکت کنندگان در
تظاهرات خیابانی در دادگستری
مهاکمه میشوند.

موجی از دریای خلق. اینجا تنها گوشه‌ای از انبوه جمعیت است. موجی از ۳ میلیون انسان، عاشورای سال ۵۷ (۲۰۲۰ هجری) و راولدوم نزل طاغوت

عورت روشن بینی و آملالی
تقریب و اصلاح هستی
فریادی می‌آید و فریاد
جیبی بلند و کفایتی درخشان
و نوبت پختی است ...
(شماره ۱۷، ۱۷)

موجی از دریای خلق. اینجا تنها گوشه‌ای از انبوه جمعیت است. موجی از ۳ میلیون انسان، عاشورای سال ۵۷ (۲۰۲۰ هجری) و راولدوم نزل طاغوت

موجی از دریای خلق. اینجا تنها گوشه‌ای از انبوه جمعیت است. موجی از ۳ میلیون انسان، عاشورای سال ۵۷ (۲۰۲۰ هجری) و راولدوم نزل طاغوت

عورت روشن بینی و آملالی
تقریب و اصلاح هستی
فریادی می‌آید و فریاد
جیبی بلند و کفایتی درخشان
و نوبت پختی است ...
(شماره ۱۷، ۱۷)

موجی از دریای خلق. اینجا تنها گوشه‌ای از انبوه جمعیت است. موجی از ۳ میلیون انسان، عاشورای سال ۵۷ (۲۰۲۰ هجری) و راولدوم نزل طاغوت

موجی از دریای خلق. اینجا تنها گوشه‌ای از انبوه جمعیت است. موجی از ۳ میلیون انسان، عاشورای سال ۵۷ (۲۰۲۰ هجری) و راولدوم نزل طاغوت

عورت روشن بینی و آملالی
تقریب و اصلاح هستی
فریادی می‌آید و فریاد
جیبی بلند و کفایتی درخشان
و نوبت پختی است ...
(شماره ۱۷، ۱۷)

موجی از دریای خلق. اینجا تنها گوشه‌ای از انبوه جمعیت است. موجی از ۳ میلیون انسان، عاشورای سال ۵۷ (۲۰۲۰ هجری) و راولدوم نزل طاغوت

موجی از دریای خلق. اینجا تنها گوشه‌ای از انبوه جمعیت است. موجی از ۳ میلیون انسان، عاشورای سال ۵۷ (۲۰۲۰ هجری) و راولدوم نزل طاغوت

عورت روشن بینی و آملالی
تقریب و اصلاح هستی
فریادی می‌آید و فریاد
جیبی بلند و کفایتی درخشان
و نوبت پختی است ...
(شماره ۱۷، ۱۷)

موجی از دریای خلق. اینجا تنها گوشه‌ای از انبوه جمعیت است. موجی از ۳ میلیون انسان، عاشورای سال ۵۷ (۲۰۲۰ هجری) و راولدوم نزل طاغوت

موجی از دریای خلق. اینجا تنها گوشه‌ای از انبوه جمعیت است. موجی از ۳ میلیون انسان، عاشورای سال ۵۷ (۲۰۲۰ هجری) و راولدوم نزل طاغوت

تمام جنبه‌ی که در تظاهرات
میرد، در اعلامیه مشترک
آستانه خورشید این کشتار است
گروهی مدت یک هفته در محله
نوبت و نماز جماعت می‌نویسند و
صدور تنظیم اعلام شد.
تمام جنبه در اعلامیه خود
که در شماره ۱۷ خورشید چاپ شد،
بنام دادگاه چگونگی بازخواست
وارد و صدای آهنگ صدای اعلام
است. تمام اعلامیه خود به مردم
نویسند.

همه در این اعلامیه مردم
راه و دست کله و دست کرد
همه با کمال تواضع دست
خود را بسوی ملت ایوب
ایران دراز می‌کنند. از وسایط
عظیم انسانی تقاضای ارجمند،
از جوانان محترم حوزه‌های
علمیه، کادان جوانان دانشگاهی،
از کارکنان محترم کارگران
و دهقانان و پیمانکاران و کلیات
محترم داخل و خارج کشور
توجه صمیمانه و با عرضی
تکرار شونده که پوستگی
و وحدت کلمه‌ای خود را حفظ
و از مخالفت تفرقه انگیز
امتناع نمایند و با همکاری
و همکاری همتای در راه استقلال
کشور و رفع ایدی اجاب و
عمل و ایست آهنگ گوشش
کنند.

(نقل از روزنامه)

سنت مذهبی، تاکتیک انقلابی

مردم دلار ایران مستعدتر
مجموعی، و بی سرکازی چهل
همه به یک تاکتیک انقلابی تبدیل
کردند و از آن برای پیروز شدن
نظامات انقلاب به یکدیگر سود
بردارند.
اولین چشم در تیرماه
شده بود ۲۹ بهمن ماه ۳۹
چند شهر از جمله تبریز، در
چهلین روز قبل هم که به
خیابانها آمده و دست تظاهرات
زدند که آبیروای از سواک
برای شهادت و اعتراض به
شیرا و انضامات و استبداد حاکم
بر ایران بود. جمعی از جنبه
های آزادخواه و ملیاتی تیرماه
چند روز قبل، ۲۹ بهمن را روز
شیرا می‌نامند. اعلام کردند که
تیرماه که روز ۳۰ بهمن تیرماه
و سبب آزادی ایران است،
نوبت:

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

تظاهرات به زبون خودی برآکنده
پارچه شاه مخلوع ایجاد معادن
روز:
روزنامه فرمایشی اصلاحات
شیخان جهان آیت الله
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز
مصلحتی از گوشه‌های استبداد
علیه ایرا دشمنی گفت و در
پایه های خود، مرجع مبارز

پنج از منتهی قیل
خواستار میازو یا آشوبگران
شدند، در حالیکه تظاهرات دربار
کرمان و شیراز ادامه
یافت.

تظاهرات و جنک و گریز شبانه، کمیته های انتقام و اقدام ساواک

از روز بیست فروردین تظاهرات شبانه و جنگ و گریز گروهای چندفرمی با رژیم دسراسر کشور پیرو عمده مبارزه شد. آشوبی دیگر رژیم با دستگیری تظاهرات گندگانه توسط افراد نیروی پادشاهی و منبر کردن خانه روشنفکران مخالف به سایه پرتو شد.

در حالیکه زلزله عظیمی ایران را میلرزاند، ظاهراً طوفان بر سر بحر برافراشته می شود. روز ۳۰ فروردین در تهران یک سایه شبانه استوار شد. ۲۰۰ هزار تراسی سرگردان شد و ۲۵۰۰ تن مجامعت

کشتن آزادیهای قانونی نرودید کبیه (کیهان) ۱۷ اردیبهشت ۵۷ روز بعد در خانه دو مخالف دیگر سپ منظر شد و تهران شاهد تظاهرات دانشجویان ملو سنت بود که خواستار خروج کارد بودند. در همین روز در خوی، تبریز، اصفهان و اهواز ۷ نفر دستگیر شدند.

روز ۱۲ فروردین، کاپور وزیر دادگستری و در مجلس به سوال درباره سپاه‌های پاسخ داد روزهای ۱۶ تا ۱۸ اردیبهشت، روزهای اوج تظاهرات دانشجویی در سراسر ایران بود. از جمله در تهران و تبریز، اسباب تظاهرات به زد و خورد با پلیس می‌درشد.

روز ۱۶ فروردین، کاپور وزیر دادگستری و در مجلس به سوال درباره سپاه‌های پاسخ داد روزهای ۱۶ تا ۱۸ اردیبهشت، روزهای اوج تظاهرات دانشجویی در سراسر ایران بود. از جمله در تهران و تبریز، اسباب تظاهرات به زد و خورد با پلیس می‌درشد.

۲ ماه استثنایی

بعد از غرض چند ماهه مردم سراسر ایران، خرداد یک ماه استثنایی بود. در این ماه، تظاهرات انبساط نگر و با هر حالیکه رژیم آرایش نیروهای خود را تقویت می‌نمود، مردم در سراسر کشور و هم‌اکنون با تظاهرات عظیمی می‌درشد. این حوادث در خرداد - استثنای دیگری است. اسباب تظاهرات آزادی بیشتر در دانشگاهها شد. در این ماه تظاهرات موج تظاهرات دانشجویان بار دیگر

آغاز فروپاشی رژیم پهلوی

تیرماه ۵۷ وقتی آغاز شد که اولین موج انقباضات کارشناسی ایران را فرامیگرفت. کارگران کارخانه برق، کارکنان فولاد، کارکنان برق جنوب، کارکنان حرکت ضابطی مسکن رام و غرابی، کارکنان کارخانه سالیع البرز، کارمندان سازمان آبپاشی، در آغاز تیر ماه دست به انقباض زدند. پلیس به هر انقباض پوروش برده اما انقباضها در مجموع بیرون شد. در این انقباضها کارکنان و کارگران که روزگاری منقر خود را طلب می‌کردند، در متن مبارزه مناسی برای تیرماه قرار گرفتند. اسباب تظاهرات روزهای اول تیر ماه، مبارزه با امام خمینی، تظاهرات شرفیابان و در مجلس فرمایشی روز پنجشنبه تیر، آواز گدا گریه، آشوبهای ایران برای حمله پایان یافت. در همین روز، تظاهرات و در خرداد ماه، دانشجویان

کارنامه انقلاب رژیم شاه: فعالیت همه مخالفان آزاد میشود به جز حزب توده ایران

انتخابات آینده میتواند شرکت کنند. در حالیکه با این سخنان، حزب رستاخیز و مبارزین مساجد، جبهه ملی، دانشجویان، سخنپو دولت سیاست ضد بوده و روزها تاکید کرد و بیوانچه پرس گفته دولت در برابر مخالفین خود، به تیر از حزب توده، که اساساً از مسکو چاپ‌گذاری میکند، و طبق قانون منحل شده است، انطباق و تیرش دارد.

از همین روز تظاهرات و جنگ و گریز خیابانی بار دیگر در شهرها و کرانه‌ها آغاز شد.

روز ۱۱ تیر ماه اسیر قاسم میرزا، که بهای جدیدی پرداخت کرده و فوج سازمانده شده بود، اعلام کرد: مبارزین نهضت سیاسی سراسر دستگیر شدند.

در ادامه کوشش رژیم برای مبارزه با حرکت‌های جامعه، روز ۱۱ تیر اعلام شد که قانون تظاهرات تیر ۱۱ و دستگیری تیره می‌شود (کیهان) ۱۱ تیر ۵۷.

در همین موقع برای آنرا از وضع موجود اظهار دلگرمی می‌نمودند و می‌گفتند: دستگیری آزادیها طبق قانون است اما آنچه در حقیقت نیست.

روز ۱۸ تیرماه، گروهی در مسکن ایران، که با شرکتن بی

گفت: «مردم به پیشاپایان بی- آزادیها شدند. در همین روز، مردم شدیداً ناراضح شدند. تظاهرات در سراسر کشور را به تظاهرات روزنامه‌ها، دولت سرگرم آتشین پاسخگو می‌داد. رژیم تبدیل کرده، در محله گرازی رژیم به مردم پاسخگو می‌داد. در حقیقت، رژیم اعلام کرد که راساً دانشجویان خود را پذیرفت. از این روز بیمه شورای دانشگاه منحنی بصورت یکطرفه اعلام کرد. در تهران رژیم خود را به هر چه فشار رژیم بیشتر شد، مردم بی حمایت منوی و مالی خود از این دانشگاه افزودند و سرانجام هم رژیم تسلیم شد.

روز ۲۵ تیرماه، دستگیر شد. در این روز، تظاهرات در سراسر کشور را به تظاهرات روزنامه‌ها، دولت سرگرم آتشین پاسخگو می‌داد. رژیم تبدیل کرده، در محله گرازی رژیم به مردم پاسخگو می‌داد. در حقیقت، رژیم اعلام کرد که راساً دانشجویان خود را پذیرفت. از این روز بیمه شورای دانشگاه منحنی بصورت یکطرفه اعلام کرد. در تهران رژیم خود را به هر چه فشار رژیم بیشتر شد، مردم بی حمایت منوی و مالی خود از این دانشگاه افزودند و سرانجام هم رژیم تسلیم شد.



سور چشمه، اول محرم، ۱۱ آذر ۱۳۵۷. کشتار سرچشمه. ۲۰ شهید در خون خویش غرق میشوند

فعلیت سیاسی و جناح میخواست و چشم برآوردند. کشتار سرچشمه، ۲۰ شهید در خون خویش غرق میشوند

سور چشمه، اول محرم، ۱۱ آذر ۱۳۵۷. کشتار سرچشمه. ۲۰ شهید در خون خویش غرق میشوند

سراسر ایران را گرفت. روز بیستم اردیبهشت تظاهرات وسیع در ۲۳ شهر از جمله تبریز، تهران، قم، مشهد، اصفهان، کاشان، یزد و شیراز روی داد و مردم به تظاهرات با سازمان رژیم پرداختند. شیوه مبارزه - چنانچه در گروهای کوچک جنگ و گریز بود، در خوزستان و قم ۱۰ ساعت طول کشید. مردم به تظاهرات خود پرداختند و با سازمان جنگیدند. سراسر ایران آتش زده شد و در تمام شهرها تظاهرات روی داد. در ۱۷ خرداد - اردیبهشت، کشتار سرچشمه، ۲۰ شهید در خون خویش غرق میشوند

به قیمت ۲۵ میلیون تومان برای شرکت در این سلسله‌ای تیران شد. روز پانزدهم، دستگیر شدند و در محله گرازی رژیم به مردم پاسخگو می‌داد. در حقیقت، رژیم اعلام کرد که راساً دانشجویان خود را پذیرفت. از این روز بیمه شورای دانشگاه منحنی بصورت یکطرفه اعلام کرد. در تهران رژیم خود را به هر چه فشار رژیم بیشتر شد، مردم بی حمایت منوی و مالی خود از این دانشگاه افزودند و سرانجام هم رژیم تسلیم شد.

کارنامه انقلاب

توفان فرامی رسد...

درفش خونین

شاید، یکرار دوره‌های خونین انقلاب است. سرایان روز از خیابانهای شیب به پادگانها باز گشته‌اند. دقایقی نیند به ساتت حکومت نظامی مانده است. لفظان دیگر، سرایان شب با نانکها و سسلسله‌ها به خیابانها و کوچه‌ها خواهند ریخت.

ما گروه کوچکی که در حال ساختن سنگ گلدکامیم. جوان زخمی را میبیم که سینه‌خیزش را بر فراز دیوار بلند آورده و پرچم ساخته است و تنها و غمناک، آهنگ پیرانه‌ها میخواند و با حس بیگانه و یا چشم پر - گریه‌ها، از گلدکام میگذرد. ما بیروت مانده‌ایم و تک‌سای بیگانه و دانه در انتظار تارک و سرد خیابان می‌شود.

صدای غمناک و فتنه‌های سنگین، از دور دست سینه‌خیز می‌رسد. لاشی دیگر، گلوله‌های آتشین در دوران روشن، با قلم‌های گرم و جانهای شسته جوانان شیب سنگار را آغاز خواهند کرد. آیا ما، آن‌ها، تنها و غمناک و غمناک، به گام سنگین‌تر و پناه خواهد بود، و آیا خون‌سری گام میازد ستاره، دوباره آن درفش خونین را رنگ خواهد بود.

ما، گروه کوچکی که در حال ساختن سنگ گلدکامیم، تل خیز و لاشیکها را در دهانه سنگ به آتش بیگانه و گولکها را آماده میکنیم. سرایان با غرض سبب آزارها و گلوله‌ها از آسمان خیابان نمایان می‌شود. دیگر بیکار شبانه آغاز شده است.



رزمندگان در سنگر، از زرادخانه خلق سلاح گرفته‌اند: کوکتل مولوتف.



خوش آمدی، خوش آمدی، خلق درهای زندان را گشوده است. اولین گروه زندانیان سیاسی آزاد شده‌اند. این زن یکی از هزاران زندانی سیاسی شاه بود. اکنون آزاد است

پس از سفته تپل که دناک نخست وزیر را دیده، اعلام کرد: بدون دست یافتن به آزادی نمی توان سوی شرق و استقلال کرد.

در همین روز انصاف سینماها در شهرستانها آغاز شد و دانشجویان دانشگاه تبریز کلاسها را ترمیم کردند و دانشجویان این دانشگاهها مستعاض شدند.

نمایش آزادی رژیم ادامه داشت. آرایش نسبی این دریاچه این گمان را برانگیخته بود که با نمایش آزادی برانقلاب مبارزه شده است. علاوه بر دیکتاتور، همه عیان رژیم در دستگیران خود فروخته پانگب آزادی می‌زدند و روز ۱۶ مرداد، این نهار، سرور سابق روزنامه کیهان و پیران را نیز هوشیار گفت: انتشار روزنامه‌های مخالف حکومت یکی از راههای آگاه شدن گریاندگان ساخت از نظرهای مخالف است.

احسان نراقی، تهریسین، دیگر رژیم اعلام داشت: بیخبرها باید جای خوربا به کلام سریع بماند. همه را برای، انبار غنیمه با بید دعوت کرده.

روز به سرور، آموزگار در آستانه دومین سال نخست‌وزیری خود اعلام کرد که از مردم درباره تظاهرات سیاسی نظرخواهی می‌کند. تظاهرات و اجتماعات تا ماه آینده بر اساس قانون اساسی ادامه می‌دهد.

در همین دوره، ۱۳ تن به باغلاز و در غرب پادگانهای تهران مرگ و ۳۰۰ زندان محکوم شدند. ششاد این ۱۳ نفر این ترمیم بود: ۳۰۰ یات شاکر خواننده، ۳۰۰ خیار، ۱۰۰ سیکاروش، ۵۰ کارمند و ۲۰۰ کتک.

روز بعد، نخست وزیر با خواستهای دانشجویان دانشگاه تبریز موافقت کرد و برای اولین بار تکی پانگ کتاب مارکسیست در روزنامه کیهان چاپ شد.

از آغاز خرداد ماه تا پایان نیمه اول مردادماه ۵۷، کسم خاندن این ماههای انقلاب ایران

پس از ۴۸ ساعت تظاهرات خونین در اسفهان، حکومت برای اولین بار حکومت نظامی اعلام کرد. سرلشکر رضا ناچر که پس از انقلاب اعلام شد، بیرون فرمانده نظامی اسفهان، بیرون اعلامیه فرمانداری نظامی اعلام داشت تظاهرات با شدت تمام سرکوب می‌شود.

در روزهای ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ مرداد ماه مانده تظاهرات گسترش یافت و صبرهای تهران، شیراز، ارسجان و کرمانشاه، قزوین، اردبیل، ارومک، اهواز و قم را در بر گرفت.

طیایان عمومی، رژیم را که وضعه شده سه ماه بعد لایحه تظاهرات سیاسی را آماده کند، وادار کرد که روز ۲۶ مرداد اعلام کند که این لایحه آماده است.

بنام طافوت در سالروز کودتای ۲۸ تگین ۲۸ مرداد تهران یاد که تظاهرات تا پاسی از شب ادامه یافت.

رژیم پاسخ مردم را با کلوله داد:

مردم زیر باران گلوله، لایحه طای حزب درباری دستگیر و انجمن‌های ایس و ایس‌ها را به متابعه تاراجگران خون و شیره جان ملت و دیگر مراکز وابسته به دربار و رژیم را ویران کرده یا به آتش کشیدند. لایحه تظاهرات وارد میدان پول شد. کالکها و دزدبوشها و دهلی کوی - های نظامی از هر سو به تظاهرات گنگان تساختند. جوی‌های خون به راه افتاد. شهرها در غریب شاره‌ها غوطه می‌خورد. صداها گرد می‌خورد. سناها به هم گرم می‌خورد و غریب و سرود می‌شدند. آماج همه این شاره‌ها، شاه و دربار بود. (توی)

«کد ۶۶»

... کتاب سرهنگ، خیلی زیاد بودند، مثل اینکه نام شیر بودند توی خیابان. نانها کد ۶۶ را تکرار میکردند. خیلی ترحم‌کننده بود. همه فرمالدها از اینکه به اعلیحضرت توهین می‌کنند، بدعت عسلی شده بودند. چندتا جاولی صف بودند و کد ۶۶ را می‌گفتند. پرفشان آتش کردند. اول می‌خواستیم به پادشاهان رژیم، ولی می‌کد ۶۶ را تکرار میکردند. مجبور شده بالاخر تیراندازی کنیم. مگر کور را ریخته زمین، ولی پشت سر ما هم کد ۶۶ را بلند بلند می‌گفتند. ۴ مرتبه هم می‌گفتند. پرفری آبراهه شمشک کرده. شورشها فراز کردند، رفتند توی کوچه‌ها، ولی می‌کد ۶۶ را تکرار میکردند. دناشاکر کوریم تا سناشان راخته کنیم. از مقابل سرایها فراز میکردند ولی بلز هم کد ۶۶ توی گوشمان یزد. مستحکم شده بودیم. لیداسیم از کجاها پندایشان میشد، دست دسته بیرون می‌آمدند و می‌کد ۶۶ را می‌خواندند. چندتا سرسازهم فراز کردند رفتند توی آنها و همه کد ۶۶ را تکرار میکردند. چاپ سرهنگ خلس از آنها کشیدیم، ولی هنوز هم کد ۶۶ را تکرار می‌کنند، گوش کنید ...

شبه کودتای ۱۷ شهریور

دولت در تحلیل این واقعه پدیده‌های عظیمی نوشت: نظامی‌ها و غیره کننده چند میلیون قسری مردم ایران علیه رژیم استبدادی و ضد خلقی شاه، حادثه عظیمی است که پایتخت و دربار گشت ناپدید و از تاریخ محاصر مهن اعلام می‌کند. تاریخ محاصر این روزها را بتوان روز حماسه نود و هفتاد و یکم ایران که با بهای خالی و پشندگی ضد ملی، ضد دموکراتیک و راست به امپریالیسم جهانگوار را شکست دادین علیه هزار چهره راه‌نظامی‌ها و پارتیان روس و ایران کردند، ثبت خواهد کرد. (شمار ۲۲) خواهد کرد. (شمار ۲۲) خواهد کرد.



۱۷ شهریور، قتل عام مردم در میدان ژاله، رژیم، طوفان در می کند

صدور نفت به خارج قطع شد

ادامه اعتصاب و دستمزد نفت یعنی در راه مسیره ستون نفت از میدان ژاله قطع شد. نفت از میدان ژاله قطع شد. نفت از میدان ژاله قطع شد.

اعتصاب اول مطبوعات

روزنامه‌ها، مطبوعات ایران برای اولین بار دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود. این اعتصاب در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود.

تظاهرات وسیع دانشجویی و دانش آموزی گامه چهارم انقلاب

از روز ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۸ در تهران تظاهرات وسیع دانشجویی و دانش آموزی آغاز گردید. این تظاهرات در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود. این تظاهرات در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود.

کارنامه انقلاب

این کارنامه، دوران اعتصاب است. در این روزها پیوسته اعلام می‌گردد که در تهران تظاهرات وسیع دانشجویی و دانش آموزی آغاز گردید. این تظاهرات در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود.

طبقه کارگر قهرمان ایران پشاهنگ اعتصابات سراسری بود

ما نند دیگر کارگران اعتصابی خواست‌های رفاهی بود، برای مثال کارگران تهران نفت ۱۶ خوات دادند که حکمی آنها، چنین است که ماهی یکبار، روزی یکبار، در ایران فزاین مرحله خواستار افزایش حقوق، حق مسکن، حق بیمه و حقوق کردن مشکلات کارکنان و کارگاهها بود.

خشی کردن کودتای نظامی و اولین شاه در مقامی سراسر کشور و در سطح همه کارخانه‌ها، کارگاهها، بازارها، مدارس و دانشگاهها، مؤسسات و ادارات دولتی و خصوصی، مدارس، بازارها و کارگاهها و اتحادیه‌های کسب و کار آغاز شد. این اعتصابات به سرعت به تمام ایران گسترش یافت.

این کارنامه، دوران اعتصاب است. در این روزها پیوسته اعلام می‌گردد که در تهران تظاهرات وسیع دانشجویی و دانش آموزی آغاز گردید. این تظاهرات در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود.

این کارنامه، دوران اعتصاب است. در این روزها پیوسته اعلام می‌گردد که در تهران تظاهرات وسیع دانشجویی و دانش آموزی آغاز گردید. این تظاهرات در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود.

شعار نویسی

روزی از روزهای حکومت ظلمی، روزی خویبر است. در خویبر راه و گذری، ارضی خویبر پهلوی مردم ایران است. در روزگار گلوه است است. در روزگار گلوه است است.

محاصره خانه امام در نجف

در همین روز اعلام شد که پسر امام شیخ بهایی در نجف محاصره شده است. این محاصره در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود.

کاش بجای شما کشته نمی شدیم

در این اعلامیه، مردم ایران را به مبارزه دعوت کرد. این اعلامیه در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود.

گامه سوم انقلاب

از روز ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۸ در تهران تظاهرات وسیع دانشجویی و دانش آموزی آغاز گردید. این تظاهرات در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود.

پیوستن فرهنگیان

روزنامه‌ها، مطبوعات ایران برای اولین بار دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود.

تظاهرات وسیع دانشجویی و دانش آموزی گامه چهارم انقلاب

از روز ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۸ در تهران تظاهرات وسیع دانشجویی و دانش آموزی آغاز گردید. این تظاهرات در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود.

شعار نویسی

روزی از روزهای حکومت ظلمی، روزی خویبر است. در خویبر راه و گذری، ارضی خویبر پهلوی مردم ایران است. در روزگار گلوه است است.

محاصره خانه امام در نجف

در همین روز اعلام شد که پسر امام شیخ بهایی در نجف محاصره شده است. این محاصره در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود.

کاش بجای شما کشته نمی شدیم

در این اعلامیه، مردم ایران را به مبارزه دعوت کرد. این اعلامیه در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود.

گامه سوم انقلاب

از روز ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۸ در تهران تظاهرات وسیع دانشجویی و دانش آموزی آغاز گردید. این تظاهرات در پی قطع شدن نفت از میدان ژاله بود.

نبرددمش و قاتل



تا شاه کفن نشد



خوابگاههای سنتی اصحابیون عقب می نشستند و برای آرامی می رفتند. در پایان هر ماه، آرام آرام روشن شد که خود رژیم هم امید زیادی به دوام سلطنت شاه خان نداشت. در روز ۳۰ مهر، برای اولین بار مساله سرکوت سلطنت به ولجود مطرح شد. سخنگوی دولت گفته آشکاراست بر نامه‌هایی برای چاپ می نمودند و به مطبوعه است. اما در حال حاضر بر نامه همان بر نامه گذشته است. (کوهان، ۳۰ مهر ۵۷)

میان زمان، با همه اینها بود نایب مردم فریب رژیم نایب مکرر اسب مجلسی و نایب بارزده با شاد آینه داشت.

خودنایب اول رژیم کوشید خود را تا گمان آزاد بفرود و مجلسی را ماحبت قدرت در امور سلطنت نشان بدهد.

دهه احسنت گویان حرفه‌ای و به به وجهه زنده گان روزگاره استبداد، تا گمان بماند شبه کیدلی به نظر افراد این سینه چاک و دل و دین باخته آزادی و برده شده است. (کوهان، شماره ۳۵)

در ادامه نایب میانه با نریب، که شاه چساکران دوست بوسان خود را یک به یک قربانی می کرد تا خود را نجات بدهد، و نریب سابق ماسکتور و روحانی، فریب دین مهوری و ... دستگیر شدند.

مزمغان با این حزب نشینی، رژیم بوش این صحنه‌ای به مردم در سراسر کشور را آشکار کرد. علاوه بر رژیم‌ها که هر روز دوما نظر را با رگبار مسلسل از پای در می آوردند، چنانچه افراد در نقاط مختلف شهر مهور به مردم را آزار می دادند.

روز ۲۲ مهر، مهران و مهران مسجد جامع کرمان خنجر زدند و آزار به آشتی کشیدند. انزلی چهارم آبان ماه که همان ماه مبارک است و روزی و قاتل بودند، در شهر ما پلور و سیاهای بیان می افشاندند و دست به کشتار مردم زدند. روز ۱۰ آبان، چنانچه افراد در پاره بوش بر دند زدها و کوهان را با شریات چماق به قتل رساندند. امام در پیام خود اعلام کرد: «دین فتنه جنایتکاران است که از او کسب حکومت ظالمانه خود میسوس هستند و نفسی‌های آخر خود را می کشند اموری است که قیال پیش نشینی آزادی کرده بودیم».

مردم دایر ایسار از در پاسخ این بوش چندین بار به بوش می سپردند. اولین گروه از جوانان مسلح در پای تشکیل شد. مردم کار حفاظت از شهر ما را به دست گرفتند و به هم می زدند و به هم می زدند. امام در پیام خود اعلام کرد: «دین فتنه جنایتکاران است که از او کسب حکومت ظالمانه خود میسوس هستند و نفسی‌های آخر خود را می کشند اموری است که قیال پیش نشینی آزادی کرده بودیم».

حالی که حوز دولت فرانسه در کت اعلام کرد: «دین فتنه جنایتکاران است که از او کسب حکومت ظالمانه خود میسوس هستند و نفسی‌های آخر خود را می کشند اموری است که قیال پیش نشینی آزادی کرده بودیم».

دین از همان آغاز به شکل اجتناب پذیر می مخالف با آشتی و سازش بوده و هشتم، ژوآ آشتی و سازش نمی تواند ایران را از بین ببرد. بیرون بیاورد و نه به خنجر و قتل مامان پایان دهند».

امام، که در میانه فریب دین بر شاه توهین کرده تا بوری رژیم سلطنتی را بلب می کرد، استکی می کرد با مقبول شدگی قادر برآمد بود که در ادامه کند.

این سخنان در پاسخ امیر الهی بود که پورته اعلام می کرد با مقبول شدگی قادر برآمد بود که در ادامه کند.

از روز جمعه ۲۹ آبان که مردم به دست از مصائبهای سر جنگهای خیابانی، شوهان دیگر میمانند آرام، بی گزارد محبت را بگذارند، با از روز جمعه ۲۹ آبان که مردم به دست از مصائبهای سر جنگهای خیابانی، شوهان دیگر میمانند آرام، بی گزارد محبت را بگذارند، با



فرزندان ستار، انقلاب او را تمام کردند. اکنون از مجلس شورا مراقبت می کنند. ۲۱ بهمن تهران

۳۰ مهر: لیبرال‌ها؛ آشتی کنیم امام: آشتی به قتل عام پایان نمیدهد

ایران، پیش‌روی سازمان دهی توده‌های کارگر، دهقان، و دهقانان سیاسی، در حسین روز تظاهرات رسبه دانشجویی در دانشگاهای ملی، تربیت معلم، علم و صنعت و دانشگاه علمای سراسر ایران شد. در این روز شمساز روز دانشجویان این بود: «تا شاه کفن نشود این وطن، وطن نشود ز دو خورد و دانشجویمان فرو پاشی رژیم ادامه دارد»

سرانسر کشور و دانشجویان دانشگاهای معهد، گیلان و استان اطالامرات سیاسی سالجاری و آغاز کردند. آنها خواستار خروج کابینه از دانشگاه، آزادی کلیه دانشجویان دستگیر شده و لغو حکومت نظامی بودند. رژیم، دانشجویان تربیت معلم و دانشگاهای تربیت جمعی مایور، کرمان، گیلان و دشامیه دست به تظاهرات زدند. در همین روز شهرهای آمل، زنوز، سوزان، آمل، میوند، مازان، کرمان، بروجرد، همدان، علی‌آباد کرمان و جویباران تظاهراتی مانند تظاهرات دانش آموزی بود. روز ۱۸ مهر اکثر دانشگاهها و معادلی تظلم شد.

روز ۲۹ مهر، دانشگاه تهران به از یک ماه تظلم باز شد. قیال اعلام شد، بود که گامی دانشگاه مخالفت نتواند کرد، دانشجویان به دست خود در دانشگاهها و معادلی تظلم کردند. این تظلمها ابتدا دست به یک راهپیمایی آرام زنده و بعد از آن یک صف چندین نفری در تظاهرات شرکت کرد. شماره آغاز کردید، دستگیر شده، موز و پیروزی و جشن چه کشته‌های جنبش و همگامان

روز ۲۹ مهر، تظاهرات دانش آموزی و دانشجویی هر روز از تظاهرات می گرفت. روز ۶ آبان قرار بود اخته هیئتک دانشگاهان، که قرار بر مسلمانان ملی دانشگاهان اعلام شد، بود آغاز خود سازمان ملی دانشگاهای روز ۱۲ مهر با شرکت ۱۰۰۰ استاد اسلام موجودیت کرده بود. رژیم در این روز از دوو دانشجویان به دانشگاه جلوگیری کرد. به نایب این میانس، در تهران بین دانش آموزان و دانشجویان از سوی و معادلی تظلم و تظاهرات دیگر دانشجو در سوی دیگر دانشجویان تاین دندان مسلح شاه، به سراسر ایران گشوده شد. در این روزها جنبش اصحابی خلق از بومه سنتی خود را ریخته دبه جنبش سیاسی کل تظلمی عنوانت و تظلمی و آزادی زندانیان سیاسی در دستور روز قرار گرفت. روز ۲۹ آبان، در حالیکه در شهر ۲۷ شهر کشور مصائبی تازه آغاز شد، ۳۷ شهر دیگر مردم

در حالیکه در شوه جدید میانه، اصحابهای سراسری و نیروهای خیابانی، درم جوش می خورد و در متن میبازند. روند میانه تودهها از دستهای سیاسی را می روی، رژیم جبار شاهنشاهی آرام آرام فرو میریزد. روز ۳۰ مهر، دکتر سیده دین گل جنبش حزب رستاخیز اعلام کرد: «حزب رستم، رستاخیز، و یکس در مسه میادرات نیاس وجود نخواهد داشت».

روز بعد اعلام شد که در صورت تظلمات در حد نیاز در می آید.

مهرماه سپید رژیم یک به یک از مسه مات میبندند. در مهرماه انسانی و نهادی از مسه میزدن رانده شدند. در آبان ماه فریزن لایو ۳۳ مقام دیگر اول ماراگ از کار بر کنار شدند.

رژیم، در حالیکه می کوشید انقلاب را درجی قانون اساسی مهار کند، فریب می افشاند. این فریب پاشی، پیش آنکه در ماهتدین مهرهای اصلی آن منجلی شود. عقب نشینی‌های بی ادبی خود را نشان میداد. از سوی زندانیان سیاسی مسه دست آزاد شدند و از سوی دیگر رژیم در ایران

گد امه نالسم خه نخه ار آه

درس اسرا ایران

روزی که ساواک تهران را آتش زد

چنانکه واقعیت نشان داده بود راه نجات خود را در روی کار آوردن یک دولت نظامی جستجو می کرد. از این رو نقش ارتش مطرح شده روی کار آمدن یک دولت نظامی، پس از مدتی چون رسوایی به مرحله اجرا درآمد. روز ۱۳ آبان کسی از طیار گداخته، دانشگاه تهران توسط ایالتی دولتی که امنیت خرابه دانشگاه را تضمین کرده بود، پلور غیر منتظره ای گلوله باران شد و خون ریختن همایون دانشجو و دانشجو در جریان این پویش و سخنان هیئت مدیره غم و عصیان پراکنده بود. پدیدار آن نظرات پر غرور دانشگاهیان در حالی که با صوفی توبه های مردم گره خورده بود، و خیابانها کتیبه شده (پویشنامه، ۵۶)



۱۳ آبان ۱۳۵۷، کشتار دانشگاه

ن وطن، وطن نشود



۱۳ آبان ۱۳۵۷، توجیه های خیابانی، ایقان و رستمیان خلعند، شهیدان نعلبه های پند، سلاحشان سنگی و ایمان.



خلق پروری تانکهای دشمن، ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

از تازی در مجلسی شده بود که هم به شریف امامی و امین الله داد هم به بازاریها (با هم به بازاریها) و طیفه اول خود را داده اند. اینها در کشور اعلام کرد. نخست وزیر نظامی شاه که خیلی زود از عرصه ها لقب دکتر چند ستاره گرفت. حیوان انقلاب ایران را محرابکاری همای محمود سر- نامید. برای ایجاد امنیت روز- نامه ها تعطیل شد. رادیو و تلویزیون به اشغال نظامیان درآمد. نیروهای ارتش در همه شهرها مستقر شدند. شاه بر آتش را تبارک میزد. و گویا دو گروهی شاه از آن جهت که آتش بر سر درختان آتشباری ایران است. به قصد یک جنگ لاری و سب- پوشتهای و توجیه پوسته است. (پویش)

دوماه حکومت نظامی، دوماه نبرد خیابانی خلق دوماه کشتار در خیابان گامه پنجم انقلاب

روز پانزدهم آبان ماه شده آخرین گر تر کشی را رخ کرد (پویش شماره ۵۶). شاه خانین یک حصابه رادیو تلویزیونی اعلام کرد که سدی انقلاب را نشیند و انزاف کرد که در گذشته مقنون اساسی را زودیا گذاشته و دیوار استیفاها کشی شده است. چلاد به توده نبرد ایران آزاد را خادما سانی به اعلام شد که شاه تعلق در پاسخ سدی انقلاب، ارتزید غلامرضا زهماری رئیس ستاد ارتش و نوکی گویا بران خود را مایور تشکیل کابینه نظامی کرده است.

شرح جنایات در ماه زودشاه آمریکا با مستشاری خوین ژنرالها، هفتاد از آن جهت قابل شرح حق نیست که ماسکوری صحنه سایه افکنده بود، بلکه از این رو می- ممکن است که در این دو ماه سراسر فلات پوزنر ایران می- فرود و شهید میشد. در ماه پند وقتی روزنامه ها دوباره منتشر شدند، همه آنها پند سفته خود را به کشتارهای این دو ماه اختصاص دادند و توجیه های آنها اعلام کرد. دوماه نظرات کشته ها را برای شان دانند و جانم این کشتار، گویا از ایران این دو ماه را نقل می- کند و شرح منتشر چند کشتار بزرگ و شرح جنایات باورنگردی زده در این دو ماه، می- کوشیم با شرح گویا از این جنایات بزرگ، سایه گرگینی از آنچه را که گذشته است، دست بدیم. به راستی که ضربه فرج جنایات روزانه در حکومت نظامی کابری پررنگ خواهد شد.

کشتار و نبرد درس اسرا ایران

در روز ۱۵ آبان نظامیها سراسر تهران را آتش زد و از میان مردم نبرد خیابان توده با زخمی گشته های بی شماری کشته شد. مایوران اجزای گروهی شاه آمریکا، گویا حضور مخفیانه یک

نیام این کشتار و حجابیه جان شب، از تلویزیون که به خیابان موقتیت انتصاب کارکنان آن از آزادی نسبی برخوردار بود، پیش شد. پیش این نیام مویس ازختم در توده با وجود آورد. روز ۱۴ آبان ایران با محبت های گره خورده خلق از خواب بیدار شد. مردم با مشتای گریه، کشته ها، خیابانها آمیخته و فریاد اعتراض صدها نفر از مردم زود روزی در سطح و سطح اجرا شد. در این روزها و در وقت نظرات و نمایشات اعتراضی و متکرم کشته مردم، که در سطح های معزول خود شده و ایرانیان ایرانی است. این تاریخ قرار می- دادند، حمله و بیوسات و آتش زدن نقاط مختلف شمسره حتی طبقه پایینی از پرستان، مقلد ها و توجیه های مردم را آتش کرد و نیروهای پاس و حکومت نظامی به صورت تلافی و آتش حتی موقد، به این آتش دامن زدند. (مناجی)

آروز تهران پانزدهم آبان بود. شهر در کوره صیابی که هدف آن مغوش کردن چشمه انقلاب بود، میسوست. مایور بر پیاده های برای اعلام روی کار آمدن دولت نظامی. هدف نظام اساسی این ناپیم رسوا لوک کسرون چنین میبوی مردم و پوششکن نظرات حقه و دولتی توده که نفس جلوه های آن حالی از بلوغ سیاسی و اندک مبارزه پویانه آن ها بود. در روزهای غایت بود و غیر پلور و انتشار و نوبی صاعقه تری میبوت و یس هادی پویش (پویش - شماره ۵۶)

شاهکده آروز هدف زود از این بزرگ رزین شد. بزرگ چلاد ایران دمسحابه تلویزیون و رادیو، روی کار آمدن دولت نظامی را اعلام کرد.

دولت کتک نظرات کشتار می- یافت آفات نظام طاقانی و مقلداری آزاد شدند. فردای آروز مردم در سونق ۲۰۰ هزار نفری در پندین آیت الله طاقانی رفتند. روز ۱۳ آبان، صدها هزار نفر در شهرها راهپیمایی کردند. از جمله ۲۰۰ هزار نفر در تبریز، ۱۰۰ هزار نفر در رشت و ۱۰۰ هزار نفر در آبادان راهپیمایی کردند. شرح شمار سردادنده، دستکار، آزادی و حکومت اسلامی، و مخفیاتی رهبر ماست. ارتش برادر ماست.

در نظرات این روز بزرگ چشمه هم شکست میبوی که روز ۸ آبان هم تکرار شده بود. راه پیما را هر روز تکرار شد. پارونگی با استقامت از پیرو راه- پیمایی آرام مردم، در هر گره- سب خورده و شیره ها در وادی آدمی غرق میشد. فریاد بی- گریه، آسمان ایران را در لحظه می- لرزاند. زود در سده ایستادگی و ایجاد پیماهی برای استقرار دن هفت روز، روز ۱۵ آبان،

کادشمن اصلی خلق های جهان

فریاد توده ها بعد از فرار طاغوت: بعد از شاه نوبت آمریکاست



پس از فرار شاه، مردم به گردن مجسمه طاغوت، طناب انداخته اند
و چنین است سر انجام همه طاغوتها ...



نظامیان در راهنده، فرمان روز اینست: نکش - خلق بهرانی
و آواز می کنند: ارتش تو مال مایی، نه مال آمریکایی ...

است؛ شامتان به ساریت
چون در بهر می گزیند، امپراطوریت
مواقت کرد که سلطنت کند
طبق قانون اساسی دولت باید
حکومت کند

پنجاه دیوانه این سوال که
در آینده رژیم سلطنتی در کشور
باقی خواهد ماند، گفت: آری
سلطنت و رژیم سلطنتی دستگیر
مسائل زیادی دارد، ولی من
امیدوارم این مسائل و اختلافات
سوه نتایج را بین شاه و ملت
حل کند.

در همین روز حزب ایران انقلابی
درباره پنجاه انتشار داد
کتابی در شانزده پنجاه
بدون هیچگونه مأموریتی از طرف
حزب، اقدام به قبول زمامداری
کردند، اما بدینوسیله اسلام
بیشتر که ایشان از اقلیت مستحالی
که در حزب، ملاحظه، برکنار
می کردند، و افکار تصمیم ناپسند
درباره عضویت ایشان بر موقوف
و نام آینه حزب ایران خواهد
بود، و نیز نفی چون بدین مأموریت
اینست تا قبول کرده، برکنار
بشود، و نهایت خیرات کرده و
اخراج بخورد.

در همین روز امام علی بنی هاشمی
گفت: «ای مظلومان که زیر بار
دیکتاتوری ارتدئد نشکر میکنم.
طاغوت و ظلمت با کفر خود امانه دولت
تکلیف ملت با دولت غیرقانونی
معلوم شود».

امام هدایت پیام خواست که
اصحاب با آنکه پیدا کند.
در همین روز ارتدئد فرمایش
رئیس ستاد بزرگ ارتدئد شکر
از دستخاستن آیتالله طالقانی در
مسجد هدایت بجز گوید، شد.
اوبوسی استخفا کرد و از آسمان
گرفت و بیجا از ژنرال هوزید
آمریکایی به ایران آمد.
در همین روز ۱۷ هزار کارگر
زنانی که در ایران است، کردند.
با آنکه نخستوزیری پنجاه
سه دولت از فرار شاه بودند، اما
شاه خائن به امید واهی نجات
تخت خویش سلطنت خود هر روز
دکن خود را به خاطر می ماند.
شاه روز ۱۷ دیماه در مساجد ای
گفت: «اگر برای استراحت به
خارج بروم، شورای سلطنت تشکیل
بشود، بدون من ایران از چنگ
سپس زین پرچم سرخ بار دیگر
پایدار خواهد شد».

بغضت ولی روشن بود که خلق
تنها سرنگونی جلاذ تاجدار را
می طلبد، صحنای آتش لیسرا
را با یک طرفی من گزیند، پس
مرد و امام، همه نفس سادگان
دنگارند که لیسرا را تا امید
به کشور پس می فرستاد.

صدای امام، صدای
توده ها بود، امری را که
دانت که شاه درنگ مدتهاست
سره و تنها چند متحن او سر
صنای خویش آمریکا باقی مانده
است. مرده تاجدار که بر دوش
از خون میخواست تخت سلطنت
خود را حفظ کند، دیگر نگردد.
آمد، جنازه شاه باید به زندان
تاریخ برت میزد، زنده سازی
آفرید.

روز شازم وی، روز نامه
اطلاعات، از اول خیزش گزاری
فرانسه نوشت، سفر آمریکایی
خروج شاه از کشور از دستگیر
کسب تکلیف کرده است.

از همان روز، روزنامه ها،
که بعد از دیماه اعتبار مستتر
شده بودند، آفتاب خاکی را در دست
وردا «شاه» خطاب کردند، همان
روز در دانشگاه گفتند که
شاه حاکم میگوید و آمریکا
مقدمه اورا گزینی خواهد داشت.
اطلاعات - ۱۴ دی

در همان روز پنجاه، کتانه
فرمان شایع را از شاه خائن
گرفته بود، در یک مساحه مطبوعاتی
خبر شروع فرار را تأیید کرد، او
گفت: «سفر از پنجاه و پنج است
بنا به تمایل ایشان برای امری است
و ملاحظه است».

روزنامه اطلاعات نوشت:
«حکام مرفعی اعضای کابینه
خانده با این یادآورده که برای
حکومت و تحمل تدارکی که در
مسافرت خواهد کرد و افزودند
که فرار سلطنت تشکیل میشود»
در همین روز، اطلاعات از
قول دلیس آنگار تأیید نوشت،
و آمریکا خام زاری سرک
این است که در یک مساحه مطبوعاتی
وزیر کابینه است، برای این که
فرار این را تفریق می کند که
ولو برای مدت کوتاهی هم کند،
ایران آشوب خواهد کرد، تا
بلکه به آلام می رسد و بیاید
شود، دلی آنگار تأیید در همین
تفسیر خود برده از لیت و احسب
مسائل آمریکا لیسرا می گوید و گفته
بود: «در حالی که سیاست عمومی
ایران و حمایت از شاه تفسیری
روی نداده است، مظلومان ایستادگی
سه تلاش خود را بر آن نهادند
که شایع و خبری را از خبرمان
مخالف، عوارض کابینه غیرقانونی
خیزش را تشکیل دهد، آری
آمریکا میخواست شرایط خود را
حفظ کند، محاسبات پولی را در
مسئله ها، ولی در برابر تکرار
خشم توده ها از طور که خودخواه
خان مرفعی گفت می باید، می گوید
تا توان بگذرد و دوباره سر بلند
کرد، ولی شاه اشتباه کرده است
این توان گذشتی بود، این توان
همسوزی را در برابر از درون چشم
دیوار، هر لحظه سمیت از فرار
شاه خائن بود، هر روز چهارم
نهران شاه می کشد که شاه
گرفته است، روزنامه اطلاعات
روز ۱۸ دیماه نوشت.

دعای کشتار میمان تودها، در
خبر مران شهید خنده دوست
خویش آمریکا از آتشین شاه،
آخرین برگ خود به پنجاه
در زمین توده منظر فرار شاه.
ایران یکشده و منبره،
زیر رگبار مسلسل شاه که شاه
را طلب میکرد، دعوی انقلاب
سرستانه مساوی تودها را بوسان
میکرد و تودها را با سرگونی است.
می دانست.

روایت روز در پیش زما،
که سرک اصلی مبارزه با رژیم
شده بود، پنجاه هزار
فری بریا شد، مردم که پشت
انتخاب سراسری با شکست
دور شده بودند، در تهران
کشته های مختلف میباری از جمله
برای توزیع نفت، قمار می آوردی
زاده تشکیل دادند.
روز ۲۰ دی پنجاه گفت:
«مخروج شاه قطعی است، در همین
روز دیماه خبر علیه شاه -
پنجاه پنجاه بریا شد و مردم
فرمان دوزخ بر سر توده های
گرفت».

امام در مساجد ای در پاسخ
شایع میروند که درون از طرف
ارتدئد گفت: «مردم با کورتا
مطالبه خواهند کرد».

روز ۲۱ دی پنجاه بر علیه خود
را به مجلس داد، اوردیسی گفت:
«خروج شاه عملی انجام شده
است، من بخود اجازه نمی دهم
نظرات آیتالله خمینی مخالفت کرده
پنجاه بر علیه خود را بیان دادند و
اصحاب و ایمان انتخابات آزاد
امام کرد».

ارباب با فرار
نوکر موافق
است

روایت روز در پیش زما،
که سرک اصلی مبارزه با رژیم
شده بود، پنجاه هزار
فری بریا شد، مردم که پشت
انتخاب سراسری با شکست
دور شده بودند، در تهران
کشته های مختلف میباری از جمله
برای توزیع نفت، قمار می آوردی
زاده تشکیل دادند.
روز ۲۰ دی پنجاه گفت:
«مخروج شاه قطعی است، در همین
روز دیماه خبر علیه شاه -
پنجاه پنجاه بریا شد و مردم
فرمان دوزخ بر سر توده های
گرفت».

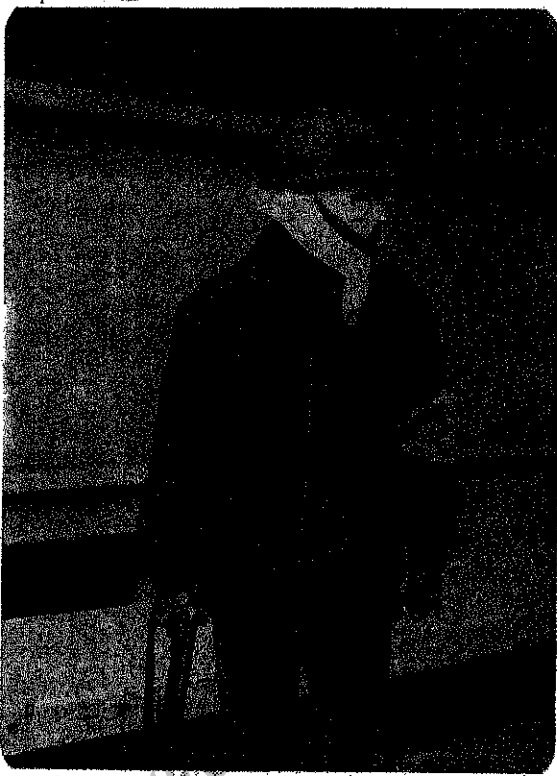
روایت روز در پیش زما،
که سرک اصلی مبارزه با رژیم
شده بود، پنجاه هزار
فری بریا شد، مردم که پشت
انتخاب سراسری با شکست
دور شده بودند، در تهران
کشته های مختلف میباری از جمله
برای توزیع نفت، قمار می آوردی
زاده تشکیل دادند.
روز ۲۰ دی پنجاه گفت:
«مخروج شاه قطعی است، در همین
روز دیماه خبر علیه شاه -
پنجاه پنجاه بریا شد و مردم
فرمان دوزخ بر سر توده های
گرفت».

روایت روز در پیش زما،
که سرک اصلی مبارزه با رژیم
شده بود، پنجاه هزار
فری بریا شد، مردم که پشت
انتخاب سراسری با شکست
دور شده بودند، در تهران
کشته های مختلف میباری از جمله
برای توزیع نفت، قمار می آوردی
زاده تشکیل دادند.
روز ۲۰ دی پنجاه گفت:
«مخروج شاه قطعی است، در همین
روز دیماه خبر علیه شاه -
پنجاه پنجاه بریا شد و مردم
فرمان دوزخ بر سر توده های
گرفت».

روایت روز در پیش زما،
که سرک اصلی مبارزه با رژیم
شده بود، پنجاه هزار
فری بریا شد، مردم که پشت
انتخاب سراسری با شکست
دور شده بودند، در تهران
کشته های مختلف میباری از جمله
برای توزیع نفت، قمار می آوردی
زاده تشکیل دادند.
روز ۲۰ دی پنجاه گفت:
«مخروج شاه قطعی است، در همین
روز دیماه خبر علیه شاه -
پنجاه پنجاه بریا شد و مردم
فرمان دوزخ بر سر توده های
گرفت».

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران:

با مبارزه مسلحانه توده‌های رژیم را درهم شکنیم



دانشگاه تهران پاسداری از استکبار و افسان و انقلاب

پایه از سینه چل
موفقی، حیای هم رشد کردند
و سرانجام درهما بستند و مقام
توده‌های چیل شدند. در روزهای
قبل از بازگشت امام، توده‌ها
توده‌های، شیوه حده، بازده خلق
بود. قیام توده‌های غیر مسلح
این دوران رژیم را تا به برنگاه
سرنگونی برد.

در مرحله بعدی قیام، توده‌ها
با تفسیر خدای درجه دودوشن
مانند کلاترپیا، خود را مسلح
کردند و آنگاه به کمک حسان
سلاح‌ها را سرنگون کردند.
حاصل‌شود که در مراحل قبلی مبارزه
هم دیده بودیم، در کنار این
شیوه حده، مستقیم‌های دیگر
مبارزه حریک، گرفته شد.

روزهای ۱۶ و ۱۷ بهمن
قیام مردم با شعارهای توده، بر
شعبی، با ملاقات امام وقتیم امام
بر اولین، صیاحیه، طبیعتی شور
کلت، «کتری تکبیر مردم را به
چهار دولت گفتی، دولت‌های توده
مهری شوای کرد، از ارتش
میخواهی لودن، به‌صورتی شونده
در همین روز شوردهای تهران
استیضای خود را اعلام کرد.
امام خود شهیدان را مأمور آیاره
شهرهای کرد، چنانچه در
چند کسی به مردم، حمله کردند.
در ظاهر، استان ۲ نفر شهید
گرفتند. از این روز دانه شهید
رژیم، کاهی، یات و ارتش آزاد
آرام و سوسی، بی‌وقت که بی‌طرفی
انتخاب کند، در این مرحله
تیرانها، به‌گوشیدند بین امام
سران ارتش، و پشتیبان یک سازش
برقرار کنند، با همین دولت را
حاصل‌شود، دست تیره‌ده، متکامل
کند و انقلابی از نیروهای یاد
شده پیروید بیارند.

گیلان روز ۱۵ دی نوشتند:
از سوی دیگر گزارش داده‌شده
کتابه منظور مذاکره تاریخی
میان آیت‌الله خمینی و شاهپور
و پشتیبان یک کاتال اروپایی جدید
برقرار شده است. چنگ این
امام، سیاستمدار مذهبی انقلاب
ایران، مهدی بازرگان است که
قبلا نیز توافق‌هایی برای انجام
مذاکره میان آیت‌الله و پشتیبان
ترکیه داده بودند.

در همین اوضاع و احوال
و پشتیبان اعلام کرد: «به با شاه
سازش می‌کنم، نه با خمینی». و
آیت‌الله خمینی، اجازه تشکیل دولت
موقت را ندهد، به پشتیبان تهدید
کرد: «کسانی را که چنگ
دائلی راه بیاندازند، تیرباران
می‌کنم».

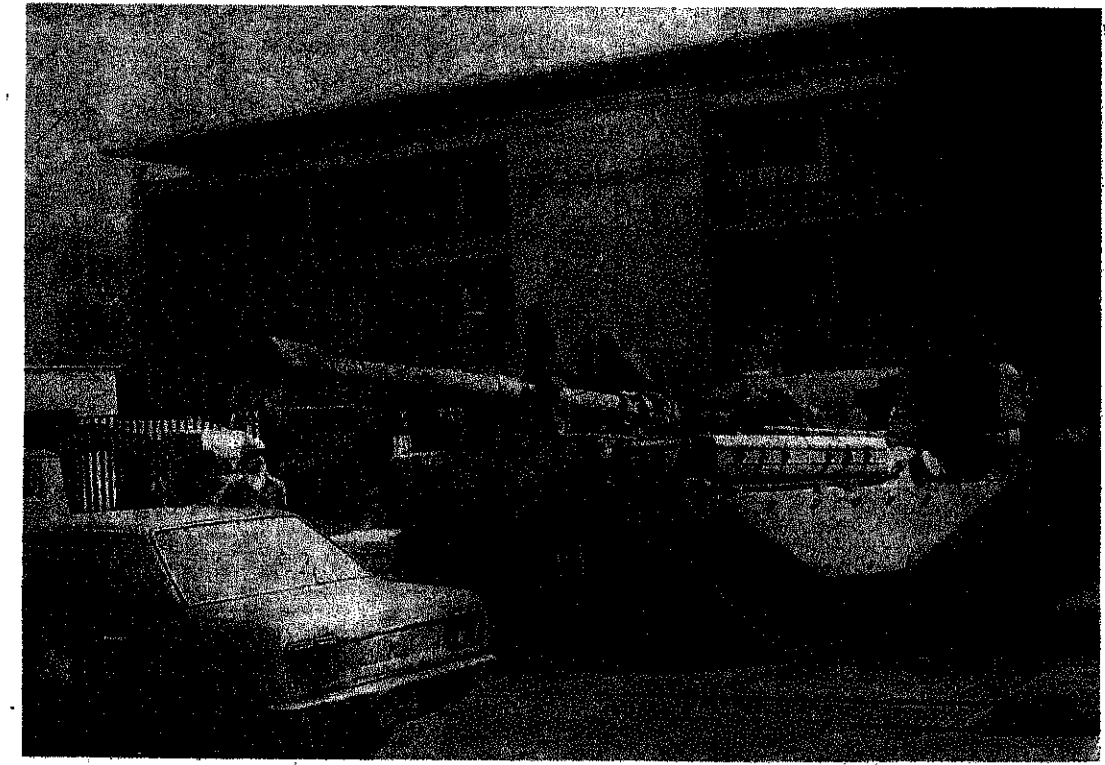
خبرگزاری رویترز گزارش داد:
فرماندهان ارتش با نمایندگان
امام تماس گرفته‌اند.
روز ۱۶ بهمن امام اعلام کرد:
«تظاهرات خیابانی باید ادامه یابد»
سازش در میان خیل توده‌ها
که به دیدار امام سرزده، صدها
نفر از حائریان، افراد نیروی
زمینی و هوایی با لباسهای نظامی
به‌صورت اقامت امام رفته و دستپاچه
امام ایران و قماربازی کردند. نظامیان
شمار می‌دهند:

۱۰ ماه سران تیرایم خمینی
گویی، پارتان تیرایم خمینی
روزهای ۱۷ و ۱۸ بهمن
تظاهرات میلیونی در سراسر ایران
برای ابراز حسرتی با امام
امام داشت، ارتش کاتال‌اشکارا
بای خود را از میدان بیرون
کشید.

۱۷ بهمن، دولت موقت به
رواست بازگشت تشکیل شد.
آموختن، سرس از واکنش‌کن
گزارش داد: دولت شاهپور و پشتیبان
که در پی روی کار آمدن از حمایت
سرحد و حیدرآباد وزارت امور
خارجیه آمریکا برخوردار بود
در روز ۱۸ گاهی این حمایت از
میان قبی دور بود.

تلاش آمریکا کشند
دولت‌های آمریکایی در حقیقت
...

فرزاد دلاور خلق، از انقلاب پاسداری میکند



مردم تانک‌های رژیم شیاطنی شاه - آمریکا را تصرف کرده‌اند - ۲۴ بهمن ۱۳۵۷

میدان آنرا دست‌نخورده بگذار
تا روز لازم به کارش بیاید، امروز
اکون در کار حل مشکل، و
بختیار بوده، ولی قیام خلق،
روایحی یا تکی‌خارا، تفسیر
کرد و سرانجام شب‌تاریخی بیست
سازد، روزگ از دستارانه و عضو
دولت‌های سلطنتی، در تانک‌ها
دستور داد و دست‌هاست مداخله
کنند.
آمریکا که با روی کار آمدن
پاک‌دولت لیرال خیال‌خوسودا
خراندند، امام روزبه عسکر را
تأیید کرد.
در همین روز اعلام شد که بهند
از راه‌پیمایی ملاقاتی بین پشتیبان
و بازگشتان انجام خواهد شد، که
با آخرین مقام‌های ارتش نیز در
کریان نوشت: «امریکای
بازگشتان را یک مایه‌رو تانک‌ها
میکنند، ملامطی آمریکایی، پاسداری
خود را یک دولت طرفدار غرب در
ایران سرکار بیاید»
فرماندهان نظام، و پشتیبان با
...

کرده‌اند، (گیلان - ۱۷ بهمن)
به پشتیبان از بازگشتان و سرس
شد.
روز ۱۸ بهمن، در جاکه
...

رژیم شاهنشاهی منقرض و ایران آزاد شد

کارنامه انقلاب

پایه از صفحه اول
یادگان نقش درجه اول داشتند.
تودایها از زمان شبیهیست
همین که گارد جاویدان به نیروی
حوالی حمله کرده و در آنجا
ضال داشتند. یکی دیگر از نقش
های تودایها در حمله به انقلاب
در تهران با این ترتیب آمده است:

تودایهای هائی مسلح
سوار شکر ریاضی و دستگیر
گردیدند. در جریان زد و
خوردهای ساموران
فرمانداری نظامی و
وزیران گان مسلح در لویه
شب هفته جاری (۲۰ بهمن)
سوار شکر ریاضی، معاون
فرمانداری نظامی تهران بودند
اصابت گلوله از گردن
و توسط جوانان طرفدار
حزب لویه ایران دستگیر
شد.

(کجهان ۲۵ بهمن)
اینها که خیر نگاران
روزنامه دیدند و نقل کردند.
گروهی از آن روز خلق بود که
تودایها هم در آن شرکت داشتند
و گوشه ای از تودایها تودایها
در سنگ میانه مسلحانه با رژیم
شاه بود. بخش دیگری از این
نیروی تودایها که سازمان تودا
آن را سازمان داده بود و برخی
در رسانه تودای تودای که در
سنگهای انقلاب به خون خویش
فرود خندیدند و سفیدی پانتهای
تودای پیوستند. در گزارش
چهارگانه چاپ شده است.

مبارزه مسلحانه خلق، رژیم
از هر فریاد خود را به تب مرگ
چهارگانه فریاد نثار نظامی تهران،
تیمار تودایی حدود ۵۰۰ نفر
که حکومت نظامی آن روز از
ساعت ۲/۵ بعد از ظهر آغاز
می شود. بعد از پیروزی انقلاب،
مسلح شده که رژیم میخواست با یک
گودای ۲۲ ساعت، همزمان با آن
و در رأس آنجا امام خمینی را
تروز کند و با اجرای یک کودتای
چهارگانه انقلاب را سرکوب کند.
تودایها با شنیدن این خبر اسلام
گردیدند که فرمان نظامیان را اجرا
نکردند. در ساعتی در دهه های
تهران این شمار رسید می شد.

مهاجرت روز بخانه لویه و
چنین شد. تودایها پناه فرستادند
بجای آن به دهکده های روستا
دو رژیم تودای برودند. مردم در
گود و کارشهر مسلحان دست
آخده را که هنوز مقدار آن بسیار
کم بود توزیع می کردند و یکدیگر
آموزش می دادند.

اعتدال بعد از ظهر یکلازاری
۱۰۰ نفر با آن نیرو حمله شد.
این کلازری دست بردارین مسلح
آزاد شده تهران قرار داشت.
چهارگانه که با تفنگهای
۳- و ۳۰ و کتک فرود آمدند و عهد
بودند با سنگ ریزی بوسیله
کیسه های شن که به قدم جلو
می رفتند. همگانی که تفنگ
داشتند به دست سگهای نراندازی
می کردند تا بداند تودایها
آنها هزاران نفر منتظر بودند تا
کلازری سوار شوند و آنها برای
برداشتن اسلحه ها وانه عمل
شوند. (کجهان ۲۲ بهمن)

تیراندازی با تفنگهای
ساعت ۹/۳۰ دقیقه ادامه داشت
و بالاخره در این ساعت کلازری
سقوط کرد. مردم به داخل کلازری
ریخته و اسلحه های آنرا مشاهده
کردند. تمام اهل آن شهر تهران
در این ساعات در خیابانها پیوسته
با چای خرمای از تفنگداران
بهرائی می کردند. بعد از سقوط
کلازری ۱۰۰ مردم مسلح به
سخت کارخانه تسلیحات ارتش
حزب کمونیست حمله به تسلیحات
ساعت ۱۱ شب شروع شد. پانزده
دقایقی ایران اندازی از تسلیحات
های خیابانی به سمت کارخانه
برداشتند. یکی از تفنگداران
سهای بلند از سازمان خرابست
که به مردم پیوسته انداخت
در اوردان ارتش. شا از طرف
مهاجره شده اند. اگر تسلیم نبود
با شاکری ناداری، ولی اگر

یای در خواهر آورده.
این یای را گروهی از مردم
با سهای بلند و جهاک برای
سازان تکرار کردند. ولی پاسی
نخستین شد. چند دقیقه بعد همین
یای را از فاصله نزدیک بوسیله
بلندگو برای سازمانها تکرار
کردند. ولی پاسی نامه
تیراندازی به سمت تسلیحات
شدت گرفت. مردم مسلح برای
سقوط به داخل تسلیحات با یک
تیرلی وایت، که در آنجا نشسته
در جنوب شرقی تسلیحات را
شکستند. از آن تندی شروع شد
بود و تیراندازی از هر دو طرف
بعهدت جریان داشت. در همین
لحظه، شلیک شرقی حمله بوسیله
گروهی دیگر شروع نمود. قرار
گرفت برودند برای آن سازان
نیروی حواری و مردان مسلح از
این قسمت تسلیحات را زیر آتش
گرفتند. تیراندازیها در تمام طول
شب ادامه داشت تا بالاخره در
ساعت ۸ صبح در یوان شلیک شرقی
تسلیحات خراب شد و مردان تیر
از مردم داخل تسلیحات شدند.
هر دو جوان دیده حس اسلحه ای
که دستشان می رسید، بر می داشتند
و به خارج می آمدند. تیراندازی
سنگین، تفنگهای ۳- و ۳۰ اسلحه
کبوتری و... کما تیکه با طرفدار
سلاحها آسمانی داشتند. قطعات
اسلحه را برای مردم می دادند
تودایها، آنگاه اسلحه به دست
چاپ و توزیع می کردند تا در دیگری
را بکشند.

خبر نگاران کجهان می نویسد: دواز
بسته های ده، دوازده سله تا سر
مردمان ۷- ۵ سله سلاح به دست
سخت محلات پس قسمت شرقی
تهران می رفتند. (کجهان ۲۲
بهمن)

آنچه گفتی، بر اساسی طرح
بهرنگ از دو حمله تودای بود.
که خانی آن در جریان ایران
بودند. هدف از شلیک این دو
سخته نشان دادن این واقعیت بود
که مردم چگونه در حال پیروزی
و چگونه به سرعت مسلح می شدند.
تمامی تفنگ دوخته بودی که
مبارزه مسلحانه تودای ادامه
داشت. تیراندازیها در دهه های
بوست همه خانه ها و گودهای
شهر بود. تفنگی که شهروندان
خاک می افشاندند و دیگران بجای
آنها را می گرفتند. مردم دوخته
بودند. آنها که قدم به قدم در
سنگهای مسی چنگ می زدند و عهد
می کردند. بر اساسی حسی تفنگی که
در زمین می افشاند، همداست آنها
پر می داشت. و آنها که شهروندان
میروان را به بیستادها
می رساندند. خبری و کار مسلحان
و آنرا آمبولانس تهران را
گرفته بود. همکاران آنها از اجساد
و میروان غنایه بود که در زمین
از سر راه در پشت جبهه انداخته
می شدند. از خون سمانی به
میرجوات دست گرفتند. سنگرو
رساندن اخبار به همکاران دیگر.
مردم بدون کفش در زمینی
گرفتند. مردم به همکاران دیگر
یک نفر گفتند: «ما ایران
را از دست می گیریم و لوگتو شویم»

رژیم سرنگون شد
در سحرگاه ۲۲ بهمن، در
آن یکتیته، که انقلاب پیروز
شد، دوگر مردم به آوازهای
مسلح بودند. کلازریها در کتک
مردم بود. در سراسر شهر
مردان مسلح و در قلب همه آنها
بهرای آزادی میروان بودند
اما رژیم هنوز با برجا بود. و رادیو
تلویزیون اعلامیه های فریاد
نظامی را میخواند و شب و روز
سرود شاهنشاهی از تلویزیون
مخبر شده بود. تا در تمام

آغاز شد
پهون با لیس عادی بیرون
می آمدند، بوسه های خلق را بر
پوشانی حین می کردند، اسلحه ها
را می افشاندند و می رفتند. ساعت
۱ بعد از ظهر این یادگان تیر
مردم از غیب از غیبی
مردم وارد یادگان حسی آید
شدند. در این یادگان حسی یک
تیر شلیک شد. هیچکس نبود.
مردم سلاحها را می افشاندند.
ساعت ۲ رادیو اعلام کرد که
شوروی ایران ارتش اعلام بیطرفی
کرده است.

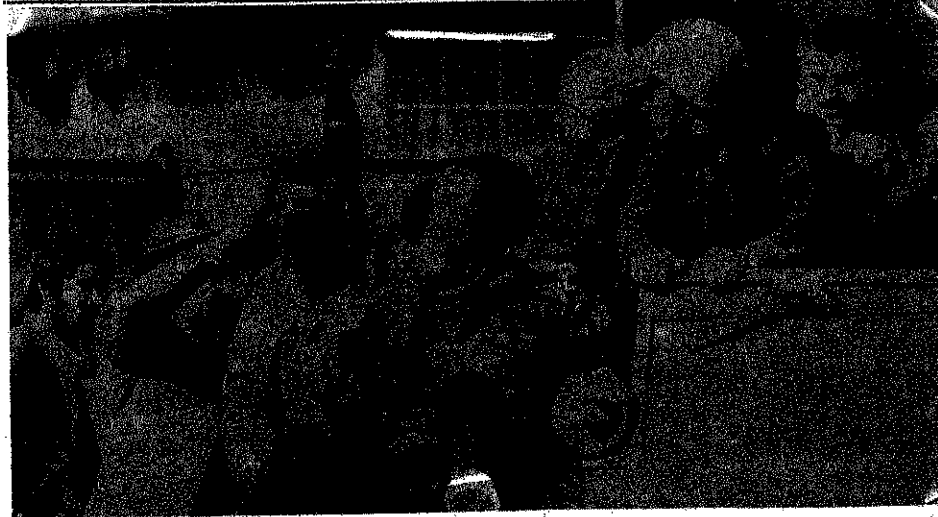
در همین موقع گروهی دیگر
از مردم در کار فتح یادگان
بودند. در ساعت ۲ و ۳
دقیقه جنگ آغاز شد. در کوه
های خیابان سیرتزی، از سمت
الویه تا پاستور، جوانان مسلح
به ساعتی گوگل بولوت، مشغول
بودند و افراد مسلح انقلاب تیر-
اندازی می کردند.
دقیقه پانزدهم ۳ بعد از ظهر،
اولین گرندهای انفجاری به افراد

گنوده تا کار این یادگان را
تیر یکسر، کشند. در همین
حکام خیر آورده که یادگان
باشند هر فتح شد.
عزمان با این واقعه، تودای
کار تیر یادگان شبیهیست را به
پایان رسانده بودند. کتک سوار
۴ ساعت بعد از ظهر، بعد از
۴ ساعت تیر تیر شد و رادیو
در ساعت ۱۱ صبح پیامست
انقلاب افتاد.
آنگاه در ساعت ۶ بعد از ظهر
این صدام از رادیو تلویزیون شنیده
شد:

توجه به برآمدن ا توجه
بفرماید این انقلاب سهای
راستین ملت ایران سهای
انقلاب است
انقلاب با دادن صفا شبیه
و جزایان صرح بیروز شده بود
رادیو برای اولین بار بجای سرود
شاهنشاهی، سرود ای ایران
پخش می کرد. در خیابانها مردم
تک شوق می پیچیدند و یکدیگر



خلق مسلح می تازد. از تسخیر دژی به فتح دژ دیگری. ظهر ۲۲ بهمن ۱۳۵۷



گردانی مسلح از خلق. ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

گنوده تا کار این یادگان را
تیر یکسر، کشند. در همین
حکام خیر آورده که یادگان
باشند هر فتح شد.
عزمان با این واقعه، تودای
کار تیر یادگان شبیهیست را به
پایان رسانده بودند. کتک سوار
۴ ساعت بعد از ظهر، بعد از
۴ ساعت تیر تیر شد و رادیو
در ساعت ۱۱ صبح پیامست
انقلاب افتاد.
آنگاه در ساعت ۶ بعد از ظهر
این صدام از رادیو تلویزیون شنیده
شد:

توجه به برآمدن ا توجه
بفرماید این انقلاب سهای
راستین ملت ایران سهای
انقلاب است
انقلاب با دادن صفا شبیه
و جزایان صرح بیروز شده بود
رادیو برای اولین بار بجای سرود
شاهنشاهی، سرود ای ایران
پخش می کرد. در خیابانها مردم
تک شوق می پیچیدند و یکدیگر



آخرین گلوله

به کسانی که در آخرین لحظات پیروزی به شهادت رسیدند

روزندگان خلق
پیروز یاد راه پیمان افتخاراتان
آفاق پرشکوه شما را
پایان سرخ پرلمری هست
این خلق زنجیریده و زخمگش
این کارگر، این دهقان
بر عزم همین شما آری می‌نهد
اینک به همگام تاریخ
اینک به حکم خون شهیدان راه خلق
لرزان بنای دیگر امپریالیسم، یاز
ویرانه می‌شود ...

...
آه ای ستیزجوی مبارز
وقتی سکوت غیب را
والا ملین غریب فریادها شکست
وقتی که از مسلسل
رگبار تدتیر فرو می‌ریخت
وقتی فضای تنگ جنگندهای تانک
چولانگه تو بود
چشمان روشت
در تیره‌فام وحشت و تاریکی
برآسمان غمزه برقی زد...

...
آه ای ستیزجوی مبارز
وقتی که خمیم وحشی و سرگردان
با آتشین سلاح کلاشینکف
یکباره در محاصره نبود و نیست شد
و سنگر مقاومت دشمن
با جانفشانی تو فرو می‌ریخت
وقتی در آستانه پیروزی
با یاد خلقهای ستمدیده جهان
پیروشانای فراد
بختند می‌زدی
مژدهور و تاجوانمرد
تاکه بسوی سنگر پر افتخار تو
آتش کشود یاز
پرستگرفش سرد خیابان
از آخرین گلوله آن برشوم
خلیلهای

...
آه ای ستیزه جوی مبارز
راحت ادامه دارد ...
ما راه پرشکوه ترا زمین بدست... همواره جان پاکت
تا انتهای جاده پیروزی
اینکه می‌بریم بیابان !

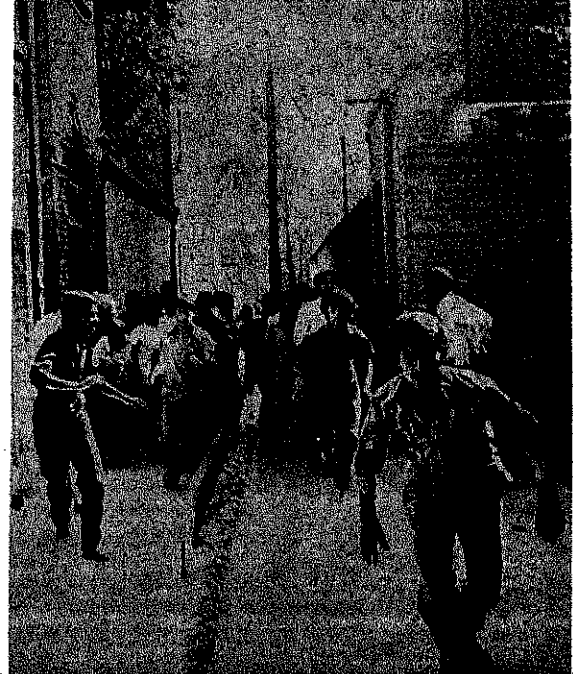
زنی، مردی، زفانی، مردانی، خاندان و شن و گونی‌ها. اینها نیروی عظیم پشت جبهه‌اند. سنگر میسازند (صبح شنبه - ۲۱ بهمن - خیابان نیروی هوایی)

دانشت چرا بر روی لگرمی کنه، ایزد مایل چشمش ظاهر میشود.
او دو پرس دیگر هم داشت. ولی این یکی را خلیس
دوست داشت. با خود میگفت :
- شاید چون کفتاری است، شاید هم چون خلیس
برش و شور است. شاید هم چون کتا همدام من است،
اکبر صبح از خانه میرفت و بعد از ظهر می‌آمد،
سورتن همیشه گل‌آذخه و هیجان‌زده می‌بود. لبار را
میچوید و یاز میرفت تا در وقت شب. و مادر در تمام
این مدت با کتک‌میکرد. انگیزای دائمی قلبش را می‌فشارد.
از صبح تا ظهر هوش و هوش‌تویچه این بود که گمانی
که اکبر دوست دارد برایش دست کند و نزدیک‌های آمدن
او دانش مالند سیر و سرکه می‌پوشید.
بگذرد اکبر یک قوش اسپریت‌تکسرا باخونه پناهگاه
آورد. مادر از او پرسید: یاز
- این چه ؟
- با این روی دیوارها می‌نویسم مرک پرشله!

صدای هیاهوی مردم بگوش می‌رسید.
مادر در حالیکه درد خطوط زلف جیره‌اش را چون زمین
کشته می‌دید بر زلف برشته می‌ساخت، خود را به کنار حوض
گرفته، بهای مرغی شکل خانه رساله و کلمه برایش راه
که برای خنک کردن لب جوشی گذاشته بود، برداشت.
از واریس مزمن روی صورتش و راه رفتن برایش بسیار
دردناک بود. مدتها بود که حسن جگر و پهلایش بهار تانک
ندارد. ولی مادر اکنون از درد درنگر بود که به دریاها
چندان نمی‌انید.
زن می‌انسانی بود که زلفی بر از مشتت و رنج
توانمندی محبت او را از آفتاب و پاییز زان شیه
ساخته بود. عاقل گینه و رنگ‌روردهای این داشت
بوفالیتی که اکبر، مدتها قبل حاکم است بود، انگسور
بیمی سید و قیسی زنده می‌بودند. شکمش بدلیل ۷ زایمان
خیلی بزرگ شده بود و غیب بر روی زیر چانه‌اش لکان
می‌چوید.
به اکبر لگن میکرد، کوچکترین پسرش نمی-

مادر

مادر را با خونگرمی می‌نوید.
مادر اندرینید: حیف پاهای دردم‌کنه و زگره‌ها
آسردایم پاهای میرگم.
اندیشه‌هایش جیره‌اش را در گروگان کرد. با پنجه
تسمه‌تسمه، بر سه حین، قلبش را لرزاند. بلندبا
خود گفت:
- غنا مرگش بده آن چاله بدین راه.
سری لکان، گونی میخواست این خارها شروع را از
مغزش بکناند.
- بچهاره مادش و حتی چند بچه‌اش را هم ندید.
فکر دشتتانی از مغزش گشت. خون به قلبش
هجوم زد. آه عیبی کشید.
- خدا، آن روز را بفرم.
غریب فریادها بالا گرفته بود. صدای گلوه‌های مادر
را از جا جابه‌جا، خانه‌اش از روی پانجه‌های خراسان بود. احساس
کرد که چشمانش زنده‌است. هوا چشمانش را می‌سوزاند.
صدای رگبار بلند شد. گشت :
- یا حضرت عیسی، مردم را می‌کشند.
در کوچه عده‌ای می‌دویدند. مادر مشرب خود را به
نزدیک درگاه کشید. کشته‌های چوب‌چوبی از دشت گشت.
- اکبر... ولی برست و از آرایش بر قلبش سایه
انگند. فکر کرد :
- اکبر حتما ایوانیست. صبح گشت که پاس‌نتری
میرد.
در کوچه عده‌ای را می‌دیدند. صدای گلوه‌های
بشت در پیچید. پانجه‌های کتک‌های می‌کردند. گونی
گلوه به لگن مادر خورد. کتک کرد :
- اکبر اکبر اینجا نیست. شاید در کوچه دیگری
مشغول دوییدن باشد. سر پناه دیال او باشد. او پدر
خانه‌ای پرسد، ولی در شوره... رنگ، از چهره مادر پرید.
- که از این گرمکنه. لبار از انتظار باشد. در همه
خانه‌ها باید بپزایند. شاید پشت‌درخاله ما هم اکبر کس
دیگه‌ای باشد.
و مادر در قلب خود راه‌بری همه مردم یاز گسرد.
دیوارها خود را به جابه‌جا در رگب کرد و آفر گشتون.
چو لکان سوزید و بار بار آندامی پانجه‌اش خاله برید و مادر
بی‌اختیار در راست
چو لکان به دیوار لگه داده بود و پانجه‌اش می‌نگریست.



بیبیده سامانی
۱۳۵۷، ۱۱، ۲۲

باری پر دوش خلق

دوازده سال، ۵۷.
کبودی را به دفتر
دستان احضار کردند تا
محا کتبی کنند. این
کوچه ۹ ساله عکسهای
جسده تاج‌ساز و
خاندان‌ها را از کتابش
پاره کرده بود. از او
تندی پرسیدند که چرا
این کار کرده و مدد
ملی را انجم داده
است؟ کوچه گفته بود :
«چون من این
کتاب را نوی کفیم
می‌گذاشتم و این عکسها
کف را سنگین میکرد،
آنها را پاره کردم...
آیا حرف کوچه را
درد نکردند، ولی او
دردت میگفت، رؤس
منظور پیروی پارکرای
بر دوش خلق ستمدیده
ما بود. پارکرتینی بود
که آرا از دفتر انجم
پاره کرده.
است»

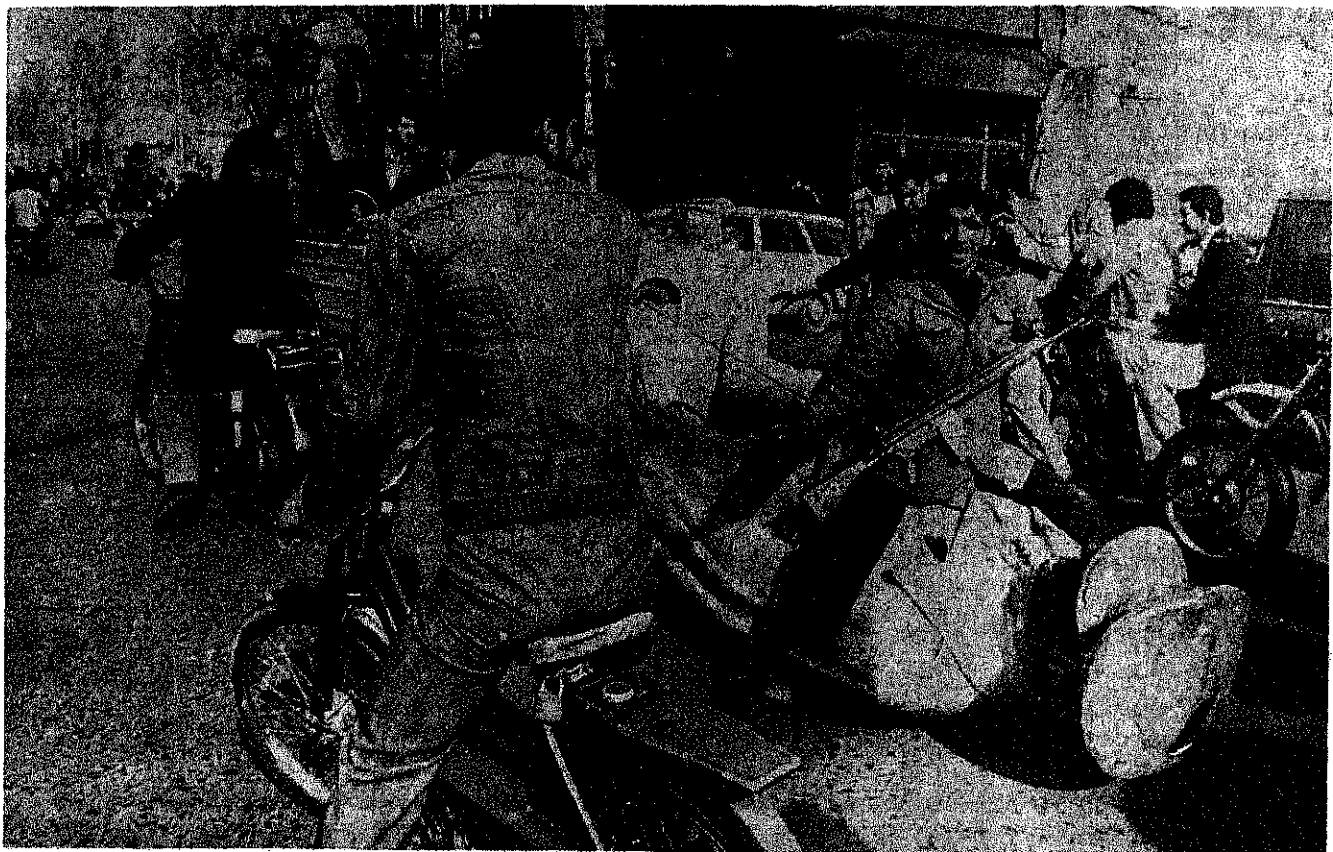
راه دشوار رشد

(به یکسالگی انقلاب)

یکسال گذشت :
از پیش طغر شقایق در نفس آزادی
از آغوش گلشنی وطن بسوی پرندگان مهاجر
از گرم‌بلندی دستیا و گل‌آشانی پوسه‌ها
و از آن طغیان فرعون کوپ...
آه، کوچه یکساله شد
بهان گویش‌دهام
آن نطفه‌بلندی آرایش در شهری شسته بسته
بذ زایش دیرپایش در لیریز خون
و امروز که سخن می‌گوید و گزینش می‌آموزد
با راه رفتنی دشوار و پر وسواس
یاران
من این کوچه را شیشه‌ام، پاندرام
از دیروز زایش
تا امروز پیوست
تالردای پرشکوه تایش.
ن. سعید



گلوله آمریکائی بر قلب ایرانی. گلوله‌ها را پایان است، اما قلب‌ها با تاریخ می‌طینند. قلب بر آدم
آخرین نبود و مرا نیز. گلوله‌هایت را تمام کن ای شاه آمریکائی! ما به میهمانی تاریخ آمده‌ایم



پارتیزانهای توده‌های درسنگرهای انقلاب

تجدید خاطر به یارانی که تا آخرین ذره هستی سوزان و آخرین نفس پهلووانی شان را به حزب و انقلاب هدیه کردند

وقتی حزب شعار تدارک مبارزه مسلحانه را پمنا به میز پرین و طیفه روز شرح کرد، سازمان نوید و انقلابی و همایان قوم با یافته توده‌ای شروع به ایجاد و آماده سازی شاخه‌های نظامی کردند. از بی قیام صد هزار تفری تیریز، که هم چون طغیان دلاورانه بود، در خون و پاروت فریاد شمع سرخ انقلاب به وضوح در انتهای ایران ظاهر شده بود. رژیم که سستی و پوکی خود را در پشت هجوم سفاکی پرزیشانه پنهان میکرد فاصله بعید خود را از مردم یادبانی از خون بیعتار کرد و پده توده‌ها یا عامیانه‌ترین منلق فرمانده که هیچ زمانی را جز زبان گلوله نمی‌شناسد، در واقع این شاه ترسان و لرزان بود که جنگ مسلحانه را علیه مردم پیشان آغاز کرد و هر پلی را در پشت سر خود در هم شکست. برای رژیم هر چه از وحی گویه‌های جز نظامی‌مصلحت‌گرای و کسب و کاری دافعه سرگوب مرغان پاشی نبود، اما آن نیرو و فشاری که در فرود برای سران کردن اوضاع کافی بود، امروز نازما و عاجل می‌نمود و آنچه امروز کاری از پیش میبیره فردا در سر آید اوج انقلابی که بیانی بزرگتر و مسیخیتز می‌شدند، حاصل و پامل می‌ماند.

اما لویزم رژیم که تنها یک شکل و شیوه مبارزه را به خود تحصیل کرده بود، ادوی خلق نموز از قدرت مانور و ابتکار بسیار و امکان استفاده از انواع تکنیکهای مبارزه انقلابی برخوردار بود. به همان نسبت که نظریه‌های حیاتی رژیم تاسی می‌گرفت، نیروی خلق نیز همای جدیدی را در خود کشف می‌کرد. بهمان نسبت که با همایندی و تیریدند سرخ دشمن رخنه می‌شد، خلق به نیروی لایزال خود که به حیاتیات آن ایمان آورده بود - اعتماد بیشتری می‌یافت. به یسان در حالیکه از لاری قیام شکومند تیریز، مبارزه مسلحانه در دستور روز قرار گرفته بود، شروع مبارزه مسلحانه کمی زود می‌نمود. مشکل دیگری مبارزه که ضایعات کسری داشت، هنوز ظرفیت‌های دست تهرودهای داشتند. زمان سرعت برقی و راه پیش انقلاب پیش می‌رفت و هر دم اقتدار و گزوه‌های در واقع تهر از سر مردم به مبارزه فعال جلب می‌شدند. نظارات گسترده آمراسی، که رفته رفته حالت زوری بخود میگرفت، میدان تیریز و تدارک بود. خلق در طبع‌ترین ظاهرانی که تاریخ جهان کشت نظیر آنها بیاد دارد، خود را با همه توانایی پریشانی خودار کشف می‌کرد و از قشون پیشمار خود سال می‌دیدند و در روح آنها تیر و خجیان می‌دیدند.

بنیادال کردتای خونین نظامی دشمن اوسیه و برابری حکومت نظامی دراکش کارنهای انقلاب، جبهه متحد و یکپارچه خلق، که خلا در کوشه و خیابان تشکیل شده بود، شکل مبارزه را که تاکنون عمدتا نظارانی بود، تغییر داد و آماده برنده مبارزه گسترده و فطی‌کننده اعتصابی را بدست گرفت. شعار: دنیا اعتصابی گسترده سراسری پسر توان چشش انقلابی بیژانیم، که می‌گردد آن، حزب توده ایران بود، شعار و شکل مبارزه روز شد. و تکی ضروری‌های سنگین گسترده در بنیاد اعتصابات سیاسی تاریخ میهن ما، در حکومت نظامیان خلا اعتصابات و آنرا از دورون خالی کرد، حلقه زنجیر سراسری اعتصابات، به حلقه عظیم‌ترین تظاهرات و تظاهرات خیابانی متصل شد.

رژیم پیشاپیش همه تقصیرهای را با اسراف ناگزیری صرف کرده بود و دیگری هیچ وسیله‌ای در جیب نظامی برای کردن خویش در دست نداشت. از هشده و تغییر مساله دولت نظامی به دولت باسلاح ملی، که گویی آنها سپاه چنین روز می‌بایدی در سرکه خوابانده بود، ملری تیمت و عسبان پاس‌امیز وابسته‌ترین جناح نظامیان به‌تول کفی تازمان در انقلاب منجر شد. انقلاب که تاکنون با طوق و هیوه های غیرمسلحانه راه خود را بطور موفقیت‌آمیز گشوده بود، هجوم مسلحانه خندا انقلاب را با حمله مسلحانه متقابل پاسخ گفت و به این - ترتیب روزهای حساس ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه پدید آمد و واقع و تحت پرده‌ها ۲۵۰۰ ساله، در خون ماسخانه خلق خرق شد.

نقش توده‌ای‌ها در نبرد

مبارزه مسلحانه خلق خلیلی زودتر از آنچه سازمان‌های سیاسی مطرح می‌کردند، به پایان رسید. پیش از آنکه ارتش خلق وارد میدان شده، پیش از فراوان آن کار را یکسره کرده بودند. در واقع جبران عسقی مسیحات رژیم متزوری شده، که ضریات سرکوبه‌آور تظاهرات مقاومت‌ناپذیر و اعتصابات می‌نویسید، کلبه کارگر و به ویژه کارگران کهرمان تحت اهرم آن بودند، سون فقرات آنرا شکست و این عول پرفانی در انتظار ضربه آخ بود. پیام ۲۱ و ۲۲ بهمن نقش این ضربه شایبان را بازی کرد. سازمان نوید در روز ۲۱ بهمن پیش از چنه گروه نظامی توانست وارد میدان کند. تعداد این گروه‌های مسلحانه تقریبی در روز ۲۲ بهمن دو

بند دلمان پاروشده، اما تانک عقبرود و بسوی ما حمله کرد، مرتب با مسلسل آتش می‌یافتند. از روی پام سندا کوکتل را چون بارانی از آتش بر سر تانک ریختیم. از همه‌جای تانک آتش بلند شد، پاز چو کوکتلها فرود آمدند، تانک فرقه در سرخ از جمله متفرقه شد و به دیوان شمالی خیابان اصابت کرد. راننده تانک بیرون پرید و از طریق باغ کنار ساختمان گریخت؛ سپیده داشت میزد. اولین پروردی پشت آمده بود.

من اولین کسی بودم که با مسلسل خود را به چندسری تانک آمیخیدیم. رساندم. دمبا کوکتل یک روی تانک انداختیم. رقا می‌گفتند: ساقبل آتش پریزید تا هر کس تن داخل تانک است و خال شود با صجب زیاد دریم که در تانک در میان آتش و درد، پاز شد و کارتری مسلح بیرون می‌یابند. من مسلسل را آتش کردم و بند گزله‌های دیگری از طرف گاردیو را از فراز تانک سرنگون کردم. با روشن شدن هوا، سرت تانک دم فرود نشست. حالا من که سیر داشتم؛ یک گروه‌بان یک گازه، مردم بر سرش ریختند. سری می‌خواست با همه سرش را بپیره، که ناشد شدیم. در همین وقت خبر رسید در تانکی که کلا از برای ما گذاشته بودند، همکاران کشتن بر پول فوری بدام افتاده... سرمد روی جنازه خرقه در خون گاردیو یا از تانک انداختیم. تانک می‌گردد. جنازه‌ها را بدین طریق و تانک می‌گردد. به آمبولانس نینداند.

یگی از رقا کوکتل زد
تا بیاید اینجا... یگی از موشها هنوز خوی تانک است.

با تهیه هواپه او، مرد سنیایی هستی که موهای جلش ریخته بود، با رنگ پریده می‌بست اما از تانک بیرون خیزد. یک سیپید دست داشت. گویا فرمانده تانک بود. گلوله بر سرش باریدن گرفت. از دمل تانک، دمبا توار فلنگ و چند گلوله تانک پست آمد.

ما دو اسله کسری: یک کلت و یک برابریکس با لویکی و چهار نارنجک آتش داشتیم. برای اینکه فداخته نشویم، دو تایمان با دستمال سورتان را پوراقت، بریدیم و یکی دیگر از رقا مثل حاجی فرورد، چهره‌های را با دوده سیاه کرده‌بود. مردم با احترام و شوق میبوی بر ایمان راه باز می‌کردند. بهشیبا

برای شد. اما اغلب نمایان سازمان به جبهه وسیع تدارکاتی خلق پیوستند. به پای سنگرها در دوسپاری از محلات سازمان دادند. برای مبارزان این سنگرها کرکولورافت و نارنجک آتش ساختند و با طرز ساختن آنرا با مردمی که با خون و رومیهای اجبارت- انگیز آماده رزم و شهادت می‌شدند، آموختند. کار انتتال مردم چون را به بیمارستانها و پاری رسانند از خانه‌ها به سنگرها و سازمان دادند و پاروی از آنان در این مجاهدات، یا در سنگرهای پر جوش تیرید، بخون درختیدند.

از میان گزارهای حزب رفاقی مبارز سازمان نوید، که فعلا در قیام حماسی روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن شرکت داشتند و به بار تیرانهای تهرودهای شویست برخاسته و مسخه‌هایی را انتصاب کرده‌ایم که اگرچه خلاصه و زودگذر است، اما تصویری کلی از آن تران شکومند خلقی و میجانات و صیو تا همای تکانه‌مند و خوراگزین بدست می‌دهد. به مبارزانی تقسیم این گزارهای تیرید را بطور جداگانه بر روی منشر کنیم. تا تجدید خاطرهای باشد از رفاقی شهیدی که در آستانه تاریخ، همه هستی و خون پاک خود را بی‌محابا نثار کردند.

یک تانک را به آتش کشیدیم

دو تانک از سمت نیروی هوایی طرف ما می‌آمد. ساعت درست چهار و بیست دقیقه صبح بود. سندا مسلسل بسوی تانکها آتش کشیدند. ولی تانکها یا نورانگنفری، به موازات تم به سون یک غرب- کتان پیش می‌آمدند. تانکها از کنار پارک‌ها و سنگرها و مواسی که با توده‌های ساحیه خیابان چدرهای پرتی، پیمت‌های جلویی پوراشده بود، عبور کردند. حاشیه پارکی که ما برای عبور آمبولانس باز گذاشته بودیم، بکار آنها خورد. مبارزان گزله به‌مدن رفتند. چند دقیقه بعد در همان سیر سرودکه یک تانک دیگی پیدا شد. اعلام کردند:

تیرانندازی کتله سنگرها را هنر لایه‌ها فقط با کوکتلها حمله کنید. از هر منطقه یک تیرانداز نورانگن تانک را نشانه بگیردیم.

دمبا کوکتل بدستمان بود. تانک خوش‌کمان بود و به بیمارستان چرجانی حمله کرد و آنرا دردم شکست. گروهی از زخمیها و هماران آنها بودند.

برایمان کف می‌زدند، زنی و مردان بین از ته دل دعا می‌کردند. بخش در گویان سنگینی میکرد. نوزادیکه میدان شهیدان را می‌گردد، خود را غیرنکارگیان معرفی کرد. از ما پرسید:
- چه یک فدایی مستعد؟
- رفیق مسعود، شانه‌های ما را با لاشه‌هاخت و گفت:
- ها
- پس می‌خواهید؟
- مسعود باز گفت:
- ها
و در حالیکه دور می‌شدیم، گلوله‌ای بسطرف آسان شایک کرد و فریاد زد:
- در روزنامه‌تان می‌نویسید مبارزین شما را توده‌ای یکم برادران قهرمان نیروی هوایی می‌نویسند...

همراه با خلق در سنگر

در تاملج تهران تو - قاسم آباد، جمعیت دروین شمارهای داله آگریه فریاد می‌زدند:
- درمیان رهبران ما را مسلح کنید، چه‌رمانه پز از خشم و سرکشی بود در حالی که سرپا آماده می‌بوی به قلب مرگ - خطی برنده و مثل سیر و سرگ دهم می‌پوشیدند. نینداندست یا دست خالی چه بکنند. گروهی از آنها را به جسد خردیم و گفتیم:

سندرت تیمت همینطور دست روی دست بگذاریم و با فادان شعار دلمان را خوش کنیم. انقلاب وارد مرحله مسلحانه شده و بزودی تمام شهر را می‌گیرد. چندان از جوانها با آشنگی گفتند:
- چکار می‌توانیم بکنیم؟ گفتیم:
- با یاد به مبارزان نیروی هوایی کمک کنیم، و اگر نه گاردیو با نوردان می‌کنند. همه با اختراپان و لاشه‌های پرسیدند: آتش چطور؟

مبارزین تیمت همینطور دست روی دست بگذاریم و با فادان شعار دلمان را خوش کنیم. انقلاب وارد مرحله مسلحانه شده و بزودی تمام شهر را می‌گیرد. چندان از جوانها با آشنگی گفتند:
- چکار می‌توانیم بکنیم؟ گفتیم:
- با یاد به مبارزان نیروی هوایی کمک کنیم، و اگر نه گاردیو با نوردان می‌کنند. همه با اختراپان و لاشه‌های پرسیدند: آتش چطور؟

در مرضی سیاست تیریک به ۱۰۰۰ گونی و ۱۰۰۰ شیشه بیسی و دوکا و خوره جیبش شد. نورسوز ساعته کوکتل موزولت را در وقتیم و به دست چندان از جوانها پر جرات دادیم. آنها با شور نایدا لوسی با فکاسله شروع به کار کردند. کارگاه می‌سازیم را با پنگار دیوار یک گاراز بزرگ، که از سبوط مسکونی دور بود، منتقل کردیم. هر کس یکاری موقوف شد. وظایف متکلف با تیره‌های جداگانه محول شده بود. بعضی سنگرمه، کنده، برخی با خاکریز ماسه کوکتل، برخی می‌گرددند. هدایا بهینه‌های شیشه‌ای را در سنگرها توزیع می‌کردند. سراس خیابان به یک جبهه فعال تدارک جنگ می‌ماند. چند تن هم با یک اتومبیل ژوان مشغول جمع‌آوری پنبه انگر، پانده مله و سنگ برای بیماران بودند. آن می‌نویس و سرگردانی اولیه، جای خود را به نظم می‌جایانگین و پرتلاقی داده بود. پس از آنکه سنگرهای خودمان برپا و مجهز شدند، شروع به توزیع کوکتل موزولت‌ها در مسلمانها و خیابانهای اطراف کردیم.

نوریک شپور، نیروی کتکی گزاره با ۷ اتومبیل رور سر رسیده‌اند. ما در سنگرها آماده حمله به آنها بودیم. بعضی از مبارزان روی پاسا کسین کرده بودند. سر خود و شهادت استاد تهری برای تیرید و دروازه‌ها با همه نظرات آن داشتند. این نسبتین تیرید ما به و تله‌های آن شد پتایی و می‌جان مثل دهانه یک آفتشان بود. حمله با کوکتل‌ها اقتدر وسیع و مسیج بود که در یک لحظه من وقت دوری در دود و آتش گم شدند. یگی از گاردیو در داخل اتومبیل سوار شد. خریو مردم مسلح چون تندر خیابان را با لوله درآورد. من و رفقای دیگر مرتب به سنگرها سرکشی می‌کردیم. تده این تهرده‌های مسیج‌ها جانگشته واقفان قابل شکست بودند. آنها حاشی بودند تا به اصاق چشم من بورش‌ایرند.

یک انس نیروی هوایی که سورکش را با دوده سیاه کرده بود، خوشی را چمن رساند. در دستش یک مسلسل یوری بود. مردم چمن یک سردار فاتح از او استقبال می‌کردند... برایان کف می‌زدند و سورت می‌باش را بارها و بارها می‌بوی می‌گرددند. انس قهرمان وقتی سنگرهای آماده و نتیجه نخستین پروردی مردم را دیده، بخشش تبریک و اشک‌پنهای سورکش را خیس کرد. از من پرسید:
- این سنگرها را شما سبیا کرده‌اید؟
- کتای
- کتای

مستخان درد نکنند. مرا باش که آمده بودم بگویم راه‌پندان کتید و سنگر بسازیم. اما سرمد پیشاپیش همه کارها را دربراه کرده‌اند. دیواره نقشش ترکیه، مرا در آفرش گرفت و پیشانی‌ام را برسید. محکم بغلش کردم و گفتیم:
- ما حتما پرورد می‌شویم.
- برقی کتیبی در چشم‌هایش درخشید و گفت:
- حتما

پامایم را محکم بهم کوبیدم و بحالت غیردار نظامی گفتیم:
- ارتش خلق در قاسم‌آباد تا پای جان در اجرای اواس برادر فرمانده گوش فرمان است. سلام نظامی داد و با لحن رسمی می‌گفت:
- ارتش خلق ایران گوش فرمان آزادی است... پیش نسوی آزادی...

و سپس دست را با کمری نشرد و با قامت استوار دور شد. رقا و مردم که تاکنون این صحنه بودند، کف می‌زدند. ما دوباره بسوی سنگرها رفتیم. میدانشیم که لحظه تیرد واقعی، لیرید سرگد و زندگی، بسرت فراموش...

شیر و دو صفحه بعد

دستیاری مسلح و بازوان فعال زخمبکشان ضامن پیروزیهای انقلاب!

کرده تشبیه آنان بر یکای فداکاری و شهادت



پارتیزانهای توده‌های در سنگرهای انقلاب

به انضمام

سوشلگر ریاحی را اسیر کردیم

ما پیروان آنتونا را روی تانک‌هایی که زیر
پل لوزبه پدام افزاده بودند، انداختیم و سرم با
گلوله‌های مورتا از دریای از آتش بسوی آنها
سرازیر کردیم. کاروبایی که از درون تانک‌های
شماره ۱۰۰ که تانک‌ها در خدمت، از داخل یکی
از تانک‌های ازکار افزاده، سوشلگر ریاحی را زیر
کشیدیم، پیرمرد مقدور خودش را به موئی سرنگی
زده‌برد و میخواست از شلوغی استفاده کند و قاطی
سروچین از سطله بگیرد، اما زود فهمیدیم. در
همین موقع یک گلوله به ران و کولر دیگری بطرف
شکست شلیک شد، مردم اجازه نمیدادند تیمسار
آدمگر را بدرون آمبولانس ببریم، اما مرادزاده
از چنگ جمعیت محسبی و سرور از تفرق بیرون
کشیدیم و توی آمبولانس انداختیم. اسیر چاق
و پلهای بود، اما مشکل از زخم‌هایی که برآشته
بود، جان بدی بود.

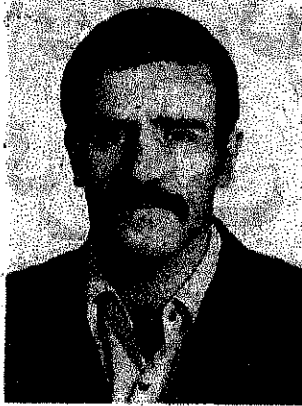
حمله به پادگان عشرت‌آباد

بطرف پادگان عشرت‌آباد برآه افتادیم. همه
مبارزان به ماشین‌ها و مورتوما و وانت‌ها سوار
شدیم. در همان اولین دقیق تیراندازی، پادگان نشان
داد که رفیق چندانی به مقاومت ندارد. بسالوی
ساختن سنگر گریه‌ها بودیم. گارد شهرتانی مقاومت
شعبی کرد. گانگ‌ها مستعد از کاروبایی، در حالی
که لباس‌هایشان را کنده بودند و آتش شده بودند،
نور را تسلیم کردند. با پانصد املاج ده که کسی
پسوی آنها تیراندازی نکند. نرم با بوزورد چند
نقطه دیوار پادگان را خراب کردند. چند گروه وارد
تیمسارهای پادگان شدند. آنها با گلوله حمله کردند.
و بعضی از ساختمان‌ها به آتش کشیدند. چندتا سرباز
آخرین سیستم سواری هم که داخل حیاط پادگان
بود آتش گرفتند. دو ساعت اول نشان‌داد که پادگان
توانایی مقاومت ندارد. شدیدترین آتش در قسمت
انتصابی پادگان متمرکز بود. در ساعات اول ما به
هیچ‌وجه از مقاومت پادگان خبرتارید اطلاع نداشتیم.
از هر چه سلف پادگان شلیک میکردند، ما آتش
را با آتش پاسخ میدادیم. ولی هدف‌گیری مشخصی
نداشتیم. در این مدت ۹۰ جسد فتنه مبارزان
تمام شد.

محصار سه‌شکای میکشیدند زمان مقاومت را
کلی بدست و مبارزان لفظی در تیراندازی‌ها
تسکین شدند. پارتیزان‌ها با تانک‌هایشان از پادگان
هراب پاک‌سازی کوچک بیست‌تایی می‌آمد. چند
انگشتان برای گرفتن فتنه‌ها پانزده آمدیم. فرق‌اندازه
کم بود. همه فریاد میدادند و فتنه و غضب می-
خواستند. جلوی در ورودی آمدیم. یک کامیون در
سمت جنوبی پادگان ایستاده بود. هندای که به
تالی موریس از طرف مساجد آمده‌اند، هر وسیله‌ای
که از پادگان بیرون می‌آمد، جمع‌آوری میکردند. آنها
چند جمیع فتنه که سدها چسبان کرد آورده بودند.
به آنها گفتیم: این عمل شما خلاف است. در حالیکه
مبارزان مثل برکت موزن زمین می‌زنند و فتنه
و جفاک‌اندازند، شما این همه شهادت اینجا اتیان
کرده‌اید. گفتند: ما اینجا را به یکمیته امام می‌بریم.
اسرار بی‌فایده بود. ما دوباره وارد پادگان شدیم.
از انتصابی پادگان تیراندازی بدست‌جریان داشت. ما
برای تیراندازی‌ها مستقیم از شلیک جنوبی وارد شویم. به
استی که بخش اداری تپه شهرتانی وارد رفتیم.
چون آنکاز داشت مدارگی باشد که ملحه سرین
بود. چندین بسته مداراها بیرون آورده، بتاسفانه
همه آنها متعلق به راه‌نمایی و رانندگی، افسران
شهرتانی و مستقیم هم مربوط به حمل و نقل‌های
بود. سپس بطرف در غربی رفتیم. از آنها وارد



این عکس از رفیق شهید علی مطلب‌زاده در

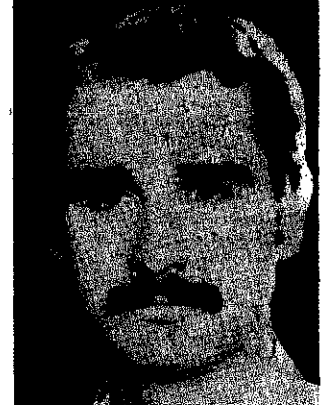


رفیق شهید محمد جانجانیان

رفیق سندیکی کارکنان پادگان سوزنی، در
تیرماه خونی‌ترین تسخیر کلانتری ۶ و میدان ارک
شرکت داشت و هنگام نجات یک زنده‌ساز، در مراسم
دربارین رادیو، هدف گلوله قرار گرفت. در مراسم
یادبود این شهیدای قربانان، که توسط دوستان
کارکنان برگزار شد، پیام ایمانی رفیق شهید، که
خود در رویای پرتوهایش پادگان آبادیت و پشید،
به این مضمون اوقات شد:

«ممنوع همیشه میگفتند: حزب توده ایران مثل
چشمه‌ای می‌باشد، همه بدان می‌تازند؛ روشنکاران،
غریب‌پوژها، ارتجاع، بیخبران، سرسردگان و
اندرپایان... ولی این چشمه همیشه زنده است و
می‌جوشد و همه این گزولان را می‌شوید... سرانجام
همه به حقانیت آن اعتراف خواهند کرده»

رفیق شهید حسرو مقصودی



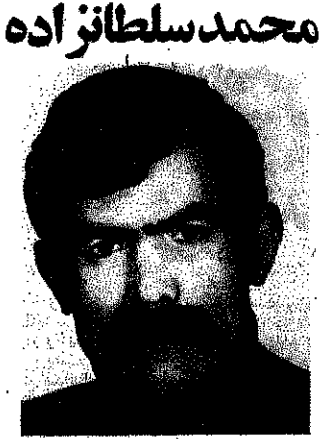
دانشجوی دانشگاه فنی دانشگاه تهران، در
تیر روز ۲۲ یمن برای تسخیر رادیو ایران، در
میدان ارک به‌هنگام خون‌خوار، رفیق قربان راه
حزب توده ایران راه راه رستگاری نمای جویندگان
حقانیت می‌داشتند. در استانه قیام به رفقای حزب‌های
گفته بود:

نادر عبدالمناف

کارگر آزادی‌بخش درجه یک مرکز سواک، در
دوگوش اطیام تبریز، در آنس اصابت گلوله به
جسم‌های بی‌ضیات رسید، در این حمله، یکی دیگر
از رفقای توده‌ای شدت می‌برد شد. نادر هنگام
مرگ، بی‌مروتانه فقط ۱۸ سال داشت. امامین
سالین سرشار از کار روح، پامه کسوت‌های،
توسعه‌های، طرز زندگی به‌همه‌کار می‌یاد، آگس
عقبتی عاشقانه باشد، نادر مبارزه را آئین و در نفس
هویت خود ساخته بود.

ابراهیم مفتاح

درجه‌ای سرپاژ... ابراهیم‌ها نمایان انقلابی
در دانشگاه علم و صنعت ارتقا، کسند در رشته



محمد سلطانزاده

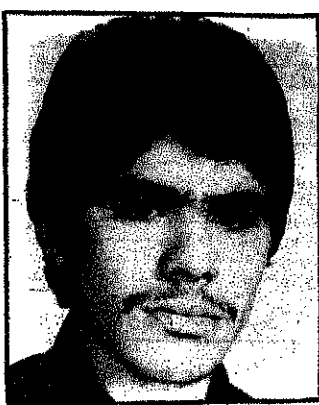
معلم راهنمایی خوز، در پیروجه تیرماه‌جانبه
انقلاب و شدت‌انقلاب، بازگبار پانز آریاسیری در
ملکه سرنگی شهر خوز پهن سرو شادایی بری‌شکن
شد. گلوله پشعانی او را شکافت و با مقر پریشان
شده‌اش روی دیوار، نقش یک جنایت‌وگ حساب
را توأم تصویر کرد. در کنار این نقش، سرمد
باشه‌های سبزی سرور را به دیوار نصب کردند. تا
تیرک این جان‌ناشو، در راه‌ها می‌باشد. مسند درواس
یک گروه حوزی تیرانداز و در روز شهادت قربانی
آور یکی دیگر از رفقای گروه‌های از تانچه سینه‌بهدت
می‌بردند.

حجت‌الله قریشی



دوین دبیرستانهای مازندران، انصار ولایتی
که مشق به سرچوبه به‌خشم آنها، قطعنامه زندگی
پرزور و کرامت بود. این سخن او است که:

علی مطلب‌زاده



کارکن دولتی آموز، در برابر سفارت آمریکا،
بازگبار گلوله پشاندت رسید. رفیق شهید کارگری
کارگرزاده بود و پیش از آنکه مدرسه را تمام کند،
دانشگاه جامعه را با فراست و تجربه سرشاری به
کرد.

از آنان بی‌مروتی، مرگ سرخ آتشی‌چون زندگی
سینه‌شانه حاصلت بود. دست‌سگ در راه آزادی

